

تجزیه و تحلیل سیستماتیک و ارزیابی معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار

مجتبی قنبرزاده*، نظام‌الدین رحیمیان**

چکیده

مطالعات تجربی نشان می‌دهد که اطلاعات حسابداری مندرج در صورت‌های مالی، برای پیش‌بینی عملکرد آتی شرکت‌ها، پایه و اساس مطمئنی نداشته و در مدل حسابداری سنتی شاخص‌های کلیدی تأثیرگذار بر ارزش شرکت مانند سرمایه انسانی، سرمایه فکری و مدل‌های کسب و کار گزارش نمی‌شوند. پژوهش حاضر با هدف تجزیه و تحلیل و ارزیابی برآزش مدل اندازه‌گیری و ساختاری معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار انجام شده است. در این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، با روش نمونه‌گیری کوکران، ۱۹۶ نفر از بین استادان دانشگاه و کارشناسان حوزه مالی و کسب و کار انتخاب شدند. الگوریتم تحلیل داده‌ها به روش حداقل مربعات جزئی شامل: برآزش مدل‌های اندازه‌گیری (آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، روایی همگرا و واگرا)، برآزش مدل ساختاری (معناداری ضرایب مسیر و ضرایب تعیین، معیار اندازه تأثیر، معیار استون-گیسر) و برآزش کلی مدل (نیکویی برآزش) است و برای ارزیابی شش معیار شفافیت و روایی شامل افشای منابع کلیدی و پیامدها، پاسخگویی اجتماعی، کاربران (ذی‌نفعان)، محرک‌های کلیدی، عدالت و انصاف در توزیع گزارش و نحوه ارائه و افشا مورد استفاده قرار گرفت. برآزش هر سه بخش الگوریتم داده‌ها نشان‌دهنده مطلوبیت و قابل قبول بودن ساختار مکنون در سطح معیارها بوده که می‌توان از آن برای سنجش و شناسایی معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار بهره گرفت. نتایج پژوهش می‌تواند در برنامه‌ریزی بلندمدت و دقیق

فعالان و بازیگران تأثیرگذار بر حرفه حسابداری برای ارتقای سیستم گزارشگری مالی شرکت‌ها و اعتلای حرفه در آینده مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: گزارشگری مالی، افشای اطلاعات، مدل کسب و کار، روش

حداقل مربعات جزئی.

مقدمه

موضوع اطلاعات و مسیرهای ارتباطی بین شرکت‌ها و ذی‌نفعان، یکی از مشکلات پیش روی شرکت‌ها به منظور تأمین انتظارات ذی‌نفعان است (باباجانی و عدل‌زاده، ۱۳۹۹). بر اساس مطالعه مؤسسه حسابرسی کی‌پی‌ام جی^۱ در سال ۲۰۱۳، بازگشت اعتماد از دست‌رفته، در گرو گزارشگری شرکتی خوب و باکیفیت است. انجمن حسابداران مدیریت خیره^۲ و مؤسسه پرایس‌واترهاوس کوپرز^۳ (۲۰۱۶) تأکید می‌کنند که گزارشگری شرکتی سهم مهمی در شکل‌گیری درک ما از محرک‌های فعلی و آتی ارزش‌آفرینی در کسب و کار و بخش مالی دارد. در نتیجه روند فزاینده نااطمینانی‌های اقتصادی و پیچیدگی‌های محیط کسب و کار، نظام فعلی گزارشگری شرکتی قادر به تأمین نیازهای اطلاعاتی ذی‌نفعان خود نیست (باباجانی و عدل‌زاده، ۱۳۹۹). طی سال‌های گذشته همواره در رابطه با بی‌کفایتی گزارشگری شرکتی سنتی و تأمین نیازهای طیف‌های متنوع ذی‌نفعان، نگرانی و دغدغه‌های فزاینده‌ای وجود داشته است (آدامز^۴ و همکاران، ۲۰۱۱؛ کوهن^۵ و همکاران، ۲۰۱۲). از گزارشگری مالی سنتی به دلیل ارائه ناکافی اطلاعات درباره نقاط ضعف و قوت واحد تجاری انتقاد شده است؛ زیرا اعتقاد بر این است که این شیوه گزارشگری فقط به صورت تصویری و آبی وضعیت مالی گذشته را نشان می‌دهد و با محدود کردن خود به تخصیص ارزش‌های پولی، قادر به پاسخگویی درباره موضوعات نگران‌کننده و مختلف عمومی (مانند موضوعات اجتماعی و محیطی) نیست (لایز^۶ و همکاران، ۲۰۱۵). در حال حاضر، نسبت به گزارشگری مالی سنتی عدم رضایت قابل توجهی وجود دارد که نمونه‌های این عدم رضایت در گزارش‌های هیئت استانداردهای حسابداری مالی ایالات متحده^۷ (۲۰۰۲) و انجمن حسابداران رسمی کانادا^۸ (۲۰۰۱) به چشم می‌خورد (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۹۸). فدراسیون حسابداران اروپا^۹ (۲۰۱۵) در پژوهشی اظهار کردند که در حال

حاضر گزارشگری شرکتی بر فراهم کنندگان سرمایه شامل سهام‌داران، اعتباردهندگان و سایر بستانکاران تمرکز دارد و ممکن است به همین دلیل در تشخیص حقیقت گسترش مخاطبان ذی‌نفع، ناکام مانده باشد. شرکت‌ها به برقراری ارتباط روشن‌تر، بازتر و اثربخش‌تر با سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان پیرامون برنامه‌های رشد پایدار خود نیاز دارند. بر همین اساس، ذی‌نفعان خواستار شفافیت بیشتر پیرامون راهبردها، مدل‌های کسب و کار، ریسک و چشم‌انداز تجاری شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی هستند که در تعامل با آنها قرار دارند (کی‌پی‌ام‌جی، ۲۰۱۳). مطالعات تجربی اخیر نشان می‌دهد که اطلاعات حسابداری مندرج در صورت‌های مالی کنونی، برای پیش‌بینی عملکرد آتی شرکت‌ها، پایه و اساس مطمئنی نداشته و شاخص‌های کلیدی تأثیرگذار بر ارزش شرکت، از جمله مدل‌های کسب و کار، در مدل حسابداری سنتی گزارش نمی‌شوند و این موضوع موجب کاهش اعتبار اطلاعات از دیدگاه ذی‌نفعان شده است. بنابراین، مشکل اصلی و اولیه، مربوط به ناکارآمدی گزارشگری مالی و افشای اطلاعات به شیوه سنتی است (لایز و همکاران، ۲۰۱۵؛ کریستینسن^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۹). پیشرفت‌های اخیر نشان می‌دهد شرکت‌ها به یک سیستم گزارشگری جدید نیاز دارند که تمامی عوامل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و راهبری مؤثر بر عملیات شرکت را به عنوان مجموعه واحد در نظر بگیرند و برای رفع آن، حرفه حسابداری و حسابداران حرفه‌ای باید سیستم گزارشگری جدیدی طراحی کنند (آزسزگان کالیسکان^{۱۱}، ۲۰۱۴). اقتصاد نوین، برای سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری چالش‌های جدیدی مطرح می‌کند که یکی از آن‌ها، گزارشگری مدل‌های کسب و کار واحدهای تجاری است (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۹). امروزه، پژوهشگران سعی در ارائه الگوها و طرح‌های مشخصی دارند تا بتوانند نقاط ضعف موجود در شیوه گزارشگری مالی سنتی را برطرف نمایند. یکی از این الگوها و طرح‌ها، استفاده از مفهوم مدل کسب و کار^{۱۲} در حسابداری به صورت عام و گزارشگری مالی به طور خاص است. بر این اساس، استفاده از مفهوم مدل کسب و کار در گزارشگری مالی در دستور کار بسیاری از نهادهای حرفه‌ای، هیئت‌ها، کمیته‌ها و مراکز رسمی و معتبر در حوزه حسابداری از جمله هیئت بین‌المللی تدوین استانداردهای حسابداری مالی^{۱۳}، گروه مشورتی گزارشگری مالی اروپا^{۱۴}، شورای بین‌المللی گزارشگری یکپارچه^{۱۵} و شورای گزارشگری مالی بریتانیا^{۱۶} قرار گرفته و تحقیقات ارزشمندی در این خصوص انجام داده‌اند (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۹).

برای ارائه یک گزارش مالی مطلوب مبتنی بر مفهوم مدل کسب و کار، شناخت و آگاهی از معیارهای اصلی حائز اهمیت بوده و عدم شناخت و ارزیابی آن موجب عدم دستیابی به این مهم خواهد شد. با توجه به اینکه مدل کسب و کار علاوه بر تأثیرگذاری بر نحوه افشا و ارائه اطلاعات صورت‌های مالی و شیوه گزارشگری مالی شرکت‌ها، نقش پررنگی نیز در اندازه‌گیری و ارزش‌گذاری ارقام صورت‌های مالی دارد (دی‌فایو و آوالونه^{۱۷}، ۲۰۱۸)، لذا نبود معیارهای مطلوب و معتبر برای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار، محتوای اطلاعاتی را خدشه‌دار خواهد کرد (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۹).

سرمایه‌گذاران به منظور سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مختلف، در وهله نخست نیازمند ارزیابی عملکرد، چشم‌انداز و موقعیت فعلی شرکت‌ها در زنجیره ارزش بوده و در این بین اطلاعات مدل کسب و کار می‌تواند مبنای مناسبی برای تجزیه و تحلیل آنان باشد. هدف از تهیه و تنظیم اطلاعات مدل کسب و کار صرفاً برای استفاده کاربران برون سازمانی از جمله تحلیل‌گران مالی نبوده و حتی کاربران درون سازمانی مانند مدیران نیز می‌توانند از این اطلاعات برای اتخاذ تصمیم‌های راهبردی و برنامه‌ریزی‌های آتی تولید و فروش محصولات و خدمات خود بهره‌مند گردند (شورای گزارشگری مالی بریتانیا، ۲۰۱۶). با وجود علاقه و توجه روزافزون استانداردگذاران و پژوهشگران حسابداری به مدل کسب و کار شرکت‌ها، تحقیقات علمی پیرامون این موضوع در مراحل اولیه خود به‌سر می‌برند (دی‌فایو و آوالونه، ۲۰۱۸). علیرغم تأکید بر افشای اطلاعات مدل کسب و کار و مؤثر بودن نقش افشای اطلاعات غیرمالی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه ایران، پژوهش‌ها در ادبیات مدیریت و حسابداری درباره مؤلفه‌ها و معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار همچنان باز مانده است (باباجانی و همکاران، ۱۳۹۷). از آنجا که در خصوص بررسی و ارزیابی معیارهای افشای اطلاعات مدل کسب و کار در ایران تاکنون کار مؤثری صورت نگرفته، در نتیجه به منظور پر کردن خلاء پژوهش‌های داخلی پیرامون افشای این دسته از اطلاعات و به دنبال پژوهش انجام شده توسط مهرانی و همکاران (۱۳۹۹) با موضوع شناسایی مؤلفه‌های گزارشگری مالی با رویکرد مدل کسب و کار، تجزیه و تحلیل و ارزیابی معیارهای افشای اطلاعات مدل کسب و کار به‌عنوان رسالت پژوهش حاضر در دستور کار قرار گرفته است. اهمیت پژوهش حاضر را می‌توان با توجه به نوع نگرش نهادهای حرفه‌ای و تخصصی حسابداری، از جمله انجمن حسابداران

مدیریت خبره جهانی، شورای بین‌المللی گزارشگری یکپارچه، شورای گزارشگری مالی بریتانیا و هیئت بین‌المللی تدوین استانداردهای حسابداری مالی نسبت به ارزش آفرینی و موفقیت بلندمدت واحد تجاری با تأکید بر مفهوم مدل کسب و کار قابل ملاحظه دانست. از طرفی، اگر پژوهشگران عوامل تعیین‌کننده کیفیت گزارشگری مالی مدل‌های کسب و کار را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار ندهند، استنتاج آن‌ها درباره نحوه گزارشگری مالی مدل‌های کسب و کار از اعتبار چندانی برخوردار نخواهد بود. لذا، هدف پژوهش حاضر این است که با تجزیه و تحلیل و استفاده از روش‌های علمی معتبر، ابعاد و مؤلفه‌های گزارشگری مدل‌های کسب و کار مورد بررسی قرار گیرد تا تصمیم‌گیرندگان یا استفاده‌کنندگان مختلف، تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی یا حساب‌برسان نه تنها بر اساس تجربه، بلکه از طریق کنکاش‌های تحلیلی و استفاده از روش‌شناسی‌های معتبر علمی، سطح اهمیت و دامنه شمول آن‌ها را درک کرده و در عمل به کار گیرند. نتایج این پژوهش می‌تواند به شناخت بهتر از معیارهای گزارشگری و افشای اطلاعات مدل کسب و کار منجر شده و برای سیاست‌گذاران امکان تصمیم‌گیری بهتر و آگاهانه‌تر را فراهم آورد.

در واقع، هدف اصلی این پژوهش تجزیه و تحلیل سیستماتیک و ارزیابی معیارهای افشای اطلاعات مدل کسب و کار واحدهای تجاری است. همچنین، هدف‌های فرعی این پژوهش عبارتند از:

۱. کمک به حسابداران، حساب‌برسان و تحلیلگران مالی در درک مفهوم مدل کسب و کار و ارتباط آن با حسابداری
۲. کمک به حسابداران، حساب‌برسان و تحلیلگران مالی در به کارگیری مبنایی متقن برای ارزیابی سطح گزارشگری و افشای اطلاعات مدل کسب و کار واحدهای تجاری
۳. کمک به جامعه حرفه‌ای حسابداری در جهت کاهش شکاف انتظاراتی بین جامعه حرفه‌ای و ذی‌نفعان و بهبود کیفیت گزارشگری مالی
۴. کمک به دانشگاهیان در جهت شناخت و درک مفاهیم بین‌رشته‌ای (مدل کسب و کار) و نقش آن‌ها در گزارشگری شرکتی
۵. کمک به ارتقای سیستم شفافیت اطلاعات بازار سرمایه و کاهش سطح عدم تقارن اطلاعاتی
۶. مساعدسازی زمینه‌های افشای نظام‌مند اطلاعات مدل کسب و کار توسط مقررات‌گذاران مالی و استاندارد‌گذاران حسابداری

در ادامه، ضمن تشریح مبانی نظری و پیشینه پژوهش، به توصیف روش‌شناسی پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود. در نهایت نیز، نتایج و یافته‌ها مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

مبانی نظری

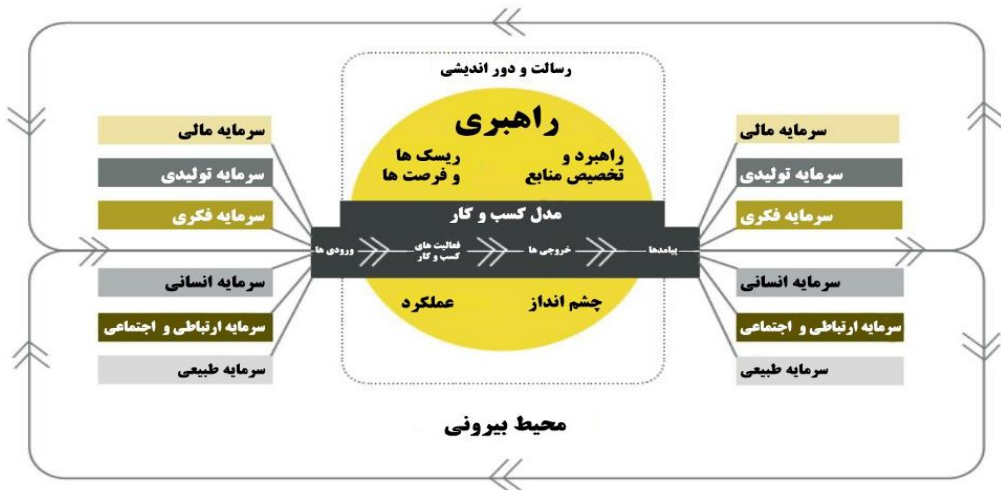
مدل کسب و کار

برای نخستین بار مفهوم مدل کسب و کار، در حوزه کسب و کار الکترونیک به کار گرفته شد (تیمرز^{۱۸}، ۱۹۹۸) و سپس مورد توجه سایر صنایع و نظام‌بخشی‌ها نیز قرار گرفت (آفوا و تیس، ۲۰۰۱؛ ییپ، ۲۰۰۴؛ استروالدرد، پینگیور و تیس، ۲۰۰۵؛ شافر، اسمیت و لیندر، ۲۰۰۵؛ ریچاردسون، ۲۰۰۸)^{۱۹}. از مفهوم مدل کسب و کار به دلیل بالا بودن سطح انتزاعی آن و وجود دیدگاه‌های متفاوت بین کارشناسان و خبرگان، تاکنون تعریف واحد و مورد اجماع خبرگان ارائه نشده است (استروالدرد و همکاران، ۲۰۰۵؛ لمبرت^{۲۰}، ۲۰۰۶). براساس نظر زوت و آمیت (۲۰۱۰)، مدل کسب و کار چارچوبی است که نشان می‌دهد شرکت چگونه کسب و کار خود را هدایت نموده و سیستمی را توصیف می‌نماید که متشکل از فعالیت‌های وابسته و سازوکارهای هماهنگی است که توسط شرکت و شرکای تجاری آن به کار گرفته می‌شود. صائبی و فاس^{۲۱} (۲۰۱۵) مدل کسب و کار را محتوا، ساختار و عوامل عملیاتی مربوط به مبادلات درون شرکتی و بین شرکتی و ارتباط با سایر شرکای خارج سازمانی برای حمایت از فرایند خلق، ارائه و کسب ارزش تعریف می‌کند. لیتا^{۲۲} و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند که مدل کسب و کار، هسته اصلی واکنش رقابتی هر شرکت به بازار، تعریف گزاره ارزش، فعالیت‌های مورد نیاز، منابع، شرکا و دانش مشتریان، هزینه یا سود مرتبط با عملکرد کلی شرکت است. از دیدگاه تیس^{۲۳} (۲۰۱۰)، سازمان برای انجام کسب و کار خود، روش‌های سازمان‌یافته‌ای را برای به روز رسانی انجام فعالیت‌ها، فرآیندهای مهم و فعالیت‌های کلی ارائه می‌دهد که هدف آن‌ها ارائه ارزش به مشتریان خود و سودآوری شرکت است. این روش‌ها که در آن هدف شرکت ارائه ارزش به مشتریان خود بوده و وجوه نقد دریافتی از مشتریان را به سود تبدیل می‌کند، مدل کسب و کار نامیده می‌شود. طبق آرای استروالدرد و پیگنیور (۲۰۱۰) مدل کسب و کار، چگونگی و نحوه

توصیف سازمان از خلق، ارائه و کسب ارزش‌ها است. استروالد و همکاران (۲۰۰۵)، پیش از آن مدل کسب و کار را طرحی برای چگونگی انجام فعالیت‌های کسب و کار تعریف کرده بودند. جانسون و همکاران (۲۰۰۸)، ارزش پیشنهادی^{۲۴} به مشتریان، صورت‌بندی و قاعده‌مندسازی سود، منابع کلیدی و فرآیندهای کلیدی را از اجزای اصلی مدل کسب و کار معرفی کرده‌اند. لیندر و کانترل^{۲۵} (۲۰۰۰) اظهار داشتند که مدل کسب و کار منطق اصلی سازمان برای ایجاد ارزش یا ارزش آفرینی است.

مدل کسب و کار نشان می‌دهد که چگونه شرکت‌ها می‌توانند به جریان‌های نقد ورودی دست یابند. از آنجا که سازمان‌ها برای مشتریان و کسب منابع کمیاب رقابت می‌کنند، بنابراین مدل کسب و کار خوب، فعالیت‌ها و رویکردهای متمایزی را برجسته می‌کند که سبب موفقیت شرکت در جذب مشتریان، کارکنان و سرمایه‌گذاران و همچنین ارائه خدمات و محصولات سودآور می‌شود. مدل کسب و کار در واحدهای تجاری از عوامل کلیدی سرنوشت‌ساز موفقیت تلقی شده و بدون داشتن مدل کسب و کار مطلوب، مزیت رقابتی و در نهایت موفقیت اقتصادی برای شرکت‌ها عملی نخواهد بود (استروالد، ۲۰۰۴؛ آمیت و زوت، ۲۰۱۲؛ تیس، ۲۰۱۰).

در تعریف شورای بین‌المللی گزارشگری یکپارچه از مدل کسب و کار آمده است: سیستمی است که سازمان با به‌کارگیری فعالیت‌های کسب و کار مولد (دارای ارزش افزوده)، ورودی‌ها یا سرمایه‌های شش‌گانه مالی، تولیدی، انسانی، فکری، اجتماعی و طبیعی خود را برای محقق شدن اهداف راهبردی و ارزش آفرینی در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به خروجی و پیامدها (دستاوردها) متناسب با سرمایه‌های جذب‌شده تبدیل می‌کند (شورای بین‌المللی گزارشگری یکپارچه، ۲۰۱۳). به عبارت دیگر، سازه مدل کسب و کار طبق چارچوب گزارشگری یکپارچه (شکل ۱)، از چهار عنصر اصلی یعنی ورودی‌ها، فعالیت‌های کسب و کار، خروجی‌ها و پیامدها (دستاوردها) تشکیل شده و هدف آن تحقق بخشیدن به اهداف راهبردی سازمان و ارزش آفرینی در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت می‌باشد.



شکل ۱. سازه مدل کسب و کار اقتباس شده از چارچوب شورای بین‌المللی گزارشگری یکپارچه

به نظر انجمن مدل کسب و کار (۲۰۱۲)، مدل کسب و کار روش عملیاتی برگزیده سازمان است که برای اطمینان از پایداری خود طراحی و اجرا می‌شود و با مؤلفه‌هایی چون ارزش پیشنهادی، محیط درونی و بیرونی سازمان، منابع و شایستگی‌های شرکت ارتباط تنگاتنگی دارد.

نقش مدل کسب و کار در گزارشگری مالی

پیچ^{۲۶} (۲۰۱۴)، واژه «مدل کسب و کار» را از جمله واژگان جدید در فرهنگ واژگان گزارشگری مالی معرفی می‌کند (پیچ، ۲۰۱۴). در ادبیات گزارشگری مالی، اصل بر این است که گزارشگری مالی باید منعکس‌کننده این حقیقت باشد که واحدهای تجاری دقیقاً چه کاری انجام می‌دهند و با چه شیوه‌ای وظایف خود را ارائه می‌کنند (لاسینی^{۲۷} و همکاران، ۲۰۱۵)، لذا از نقطه نظر گیونتا^{۲۸} و همکاران (۲۰۱۰)، ارائه تعریف منحصر به فرد از مدل کسب و کار شاید آنچنان هم که باید، ضروری نباشد. تعریف واحد یا توافق بر سر تعریف واحد از واژه مدل کسب و کار تأثیری بر بهبود درک موضوعات مرتبط با گزارشگری مالی ندارد (سنگلتون-گرین^{۲۹}، ۲۰۱۴). بنابراین، به جای تمرکز بر یافتن تعریفی واحد و مورد اجماع خبرگان از واژه مدل کسب و کار، شایسته است وقت و منابع

را در پاسخ دادن به یک پرسش مهم‌تر صرف نمود. پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان بر اساس مشاهدات، درباره چگونگی ایجاد سود یا جریان‌های نقد واحد تجاری اطلاعات مربوط به دست آورد و در گزارش‌های مالی افشا کرد؟ و بر چه اساس می‌توان در آتیه به فرایند ایجاد سود و نحوه کسب پول واحد تجاری امیدوار بود (لاسینی، ۲۰۱۵)؟ در حین یافتن پاسخ‌های درخور به پرسش‌های مطرح شده مشخص خواهد شد که اطلاعات مدل کسب و کار و چگونگی افشای آن نسبت به موضوع یافتن تعریف واحد و مورد اجماع خبرگان از اهمیت بالاتری برخوردار است.

تلاش‌های قبلی در خصوص درک واژه مدل کسب و کار و اثرات آن بر گزارشگری مالی، دلالت بر نقش توانایی یا عدم توانایی تنظیم‌کنندگان مقررات و استانداردهای حسابداری برای بیان و تشریح فرایند ارزش آفرینی واحد تجاری و انگیزه‌های چندگانه‌ای دارد که مشوق راهبردهای گزارشگری مالی هستند (گراهام^{۳۰} و همکاران، ۲۰۰۵؛ انجمن حسابداران خبره انگلستان و ولز^{۳۱}، ۲۰۱۰). بر این اساس، مدل کسب و کار در حوزه‌های مختلف حسابداری از جمله، صورت‌های مالی (از قبیل صورت سود و زیان، صورت سود و زیان جامع، صورت وضعیت مالی، صورت تغییرات در حقوق مالکانه و صورت جریان‌های نقدی)، گزارشگری غیرمالی (جنبه‌های کیفی گزارش‌های مالی)، تفسیر مدیریت یا سایر گزارش‌های اختیاری، مفهوم کلیدی محسوب می‌شود (لیزنینگ^{۳۲} و همکاران، ۲۰۱۲؛ شورای بین‌المللی گزارشگری یکپارچه، ۲۰۱۳؛ پیچ، ۲۰۱۴؛ سینگلتون‌گرین، ۲۰۱۴؛ ملونی^{۳۳} و همکاران، ۲۰۱۵).

یکی از اعضای کارگروه بررسی گزارشگری کسب و کار راهبردی^{۳۴} در گزارش خود بیان داشته است که: درک مدل کسب و کار واحد تجاری برای تحلیل و بررسی ماهیت^{۳۵} کسب و کار و شناسایی عوامل اصلی احتمالی ایجادکننده تغییرات در محیط کسب و کار سودمند خواهد بود. طرفداران گزارشگری کسب و کار راهبردی برای ارائه پاسخ‌های مستدل و قانع‌کننده خود به ابهام‌ها و پرسش‌های مطرح در خصوص این شیوه گزارشگری نه تنها باید با مفهوم مدل کسب و کار آشنا باشند، بلکه باید برای عملیاتی ساختن آن نیز فنون لازم را فراگیرند. اطلاعات مدل کسب و کار را می‌توان برای تحلیل‌های بنیادی سرمایه‌گذاران، اطلاعات مربوط تلقی کرد. این اطلاعات فراهم‌کننده شرایطی است که بر اساس آن سایر اطلاعات مندرج در گزارش‌های مالی سالانه راحت‌تر درک خواهند شد.

تهیه اطلاعات مدل کسب و کار می‌تواند در درک واحد تجاری از کسب و کار خود و شناسایی محرک‌های کلیدی که موجبات اطمینان خاطر سرمایه‌گذاران را فراهم می‌آورد و کاهش دهنده ریسک آن‌ها است، بسیار سودمند باشد. افزون بر این، سرمایه‌گذاران نیازمند درک روشن از کسب و کار واحد تجاری، چگونگی انجام فرایند کسب و کار و چگونگی تأثیرگذاری عوامل درونی و بیرونی بر عملکرد واحد تجاری هستند. همچنین، سرمایه‌گذاران نیاز دارند از نحوه تأثیرگذاری مدل کسب و کار بر روندهای بازار سرمایه و حمایت راهبردهای واحد تجاری از مؤلفه‌های اصلی مدل کسب و کار نیز آگاه شوند. آن‌ها مشتاق هستند تا برآوردهای معقولانه و منطقی از عکس‌العمل‌های مدیریت هنگام رویارویی با ریسک‌ها و فرصت‌های مدل کسب و کار داشته باشند و چگونگی خلق پول و ارزش آفرینی (یا تخریب ارزش‌ها) در مدل کسب و کار را پیش‌بینی نمایند. پذیرش این فرض که مدل کسب و کار نقش اساسی در گزارشگری مالی ایفا می‌کند، موجب خواهد شد بپذیریم که اطلاعات مدل کسب و کار درک سرمایه‌گذاران از وضعیت گذشته واحد تجاری را بیشتر و کامل‌تر کرده و تأثیر بسزایی در ارزیابی آنان از وضعیت و عملکرد مالی واحد تجاری دارد (انجمن حسابداران خبره صلاحیت‌دار، ۲۰۱۸).

تدوین‌کنندگان مقررات مالی و جامعه استانداردگذاران حسابداری در تلاشند تا زمینه‌های افشای اطلاعات مدل کسب و کار را در یادداشت‌های روایی گزارش‌های مالی سالانه فراهم نمایند. هیئت استانداردهای حسابداری مالی ایالات متحده در سال ۲۰۰۹ پیش‌نویس چارچوب یادداشت مدیریت را تهیه کرد که در آن به عناصر زیادی از جمله مدل کسب و کار واحد تجاری اشاره شده است. در سال ۲۰۱۰، در آیین‌نامه حاکمیت شرکتی بریتانیا^{۳۶} پیشنهاد شد که مدیران باید در گزارش‌های مالی سالانه از مبانی مورد استفاده شرکت در ایجاد یا حفظ ارزش‌های شرکت در بازه زمانی بلندمدت (مدل کسب و کار)، راهبردهای شرکت در جهت خدمت‌رسانی به ذی‌نفعان و چگونگی تحقق اهداف شرکت، توضیحات شفاف و کاملی ارائه نماید (شورای گزارشگری مالی بریتانیا، ۲۰۱۰). هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری و شورای بین‌المللی گزارشگری یکپارچه، دیدگاه مشترکی ارائه نمودند که در آن گام بعدی در ارزیابی گزارشگری شرکتی، بررسی میزان ارتباط مدل کسب و کار و ارزش آفرینی واحد تجاری است (هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری و شورای بین‌المللی گزارشگری یکپارچه، ۲۰۱۳).

در استانداردهای حسابداری، انتقادهای شدیدی در خصوص توانایی مدل گزارشگری برای ارائه اطلاعات مطلوب و مناسب درباره مدل کسب و کار مطرح شده است (لاسینی، ۲۰۱۵). این موضوعات در جلسه سالانه انجمن حسابداری آمریکا در سال ۲۰۱۰ مورد بحث قرار گرفت و اعضای حاضر در جلسه با موضوع شکست الگوی گزارشگری و شناسایی مشکلات گوناگون مرتبط به آن موافق بودند. از جمله مشکلات مهم و اصلی مورد بحث عبارت بودند از: حجم زیاد گزارش‌ها، پیچیدگی، دامنه محدود در دیدگاه‌ها و طرز تفکرات، نحوه گزارشگری داراییهای نامشهود، تأکید بیشتر بر گزارشگری مالی و نبود دیدگاه یکپارچه در سیستم گزارشگری مالی. ظاهراً گزارشگری مالی سنتی، بیش از حد گسترده (حجیم) و پیچیده شده و از این رو، این اطلاعات بیش از حد گسترده، نتوانسته ارائه‌دهنده توضیحی قانع‌کننده از نحوه ارتباط مدیریت راهبردی و چارچوب کسب و کار واحد تجاری باشد (ایکلز و کروزر^{۳۷}، ۲۰۱۰). در جلسه مذکور، نگرانی‌های دیگری از جمله: دیدگاه استاندارد‌گذاران گزارشگری مالی در مورد نقش ارزش منصفانه و مفروضات آن نیز مطرح گردید. آنها معتقد بودند که امکان یافتن روش خاص (معجزه آسا) در حسابداری برای حل این نگرانی‌ها وجود دارد (سینگلتون-گرین، ۲۰۱۰). در پی حل مسائل و مشکلات مطرح شده، پژوهشگران حقوقی و حقیقی دست به کار شده و سعی نموده‌اند با استفاده از رویکردهای مختلف راه‌حلی را ارائه نمایند. در ادامه به برخی از پژوهش‌های انجام شده توسط مؤسسات حسابرسی و جامعه حرفه‌ای حسابداری در باب افشای اطلاعات مدل کسب و کار و اطلاعات راهبردی به‌عنوان رویکردهای جایگزین گزارشگری شرکتی اشاره شده است.

انجمن حسابداران مدیریت خبره جهانی^{۳۸} (۲۰۱۶ و ۲۰۱۸) بر این باور است که دستیابی به موفقیت بلندمدت واحدهای تجاری از طریق تمرکز بر روی به‌کارگیری، ارزیابی و نوآوری مدل‌های کسب و کار منعطف امکان‌پذیر خواهد بود. انجمن حسابداران خبره صلاحیت‌دار^{۳۹} (۲۰۱۳) در گزارشی اذعان نموده است که ۴۵ درصد از سرمایه‌گذاران معتقدند که گزارش‌های مالی سالانه از سودمندی کافی برای درک عملکرد آتی شرکت‌ها برخوردار نبوده و ۹۰ درصد آنان نیز معتقدند که گزارشگری یکپارچه باعث ارزش‌افزایی درک عواملی خواهد شد که بر مدل‌های کسب و کار شرکت تأثیر می‌گذارند. بررسی‌های مؤسسه حسابرسی ارنست و یانگ^{۴۰} (۲۰۱۴) نشان داد که مدل

کسب و کار به دلیل کمک به اجرای تعهدات معنادار سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، یکی از مؤلفه‌های کلیدی گزارشگری یکپارچه به حساب می‌آید. انجمن حسابداران مدیریت خیره^{۴۱} (۲۰۱۳) بدین دلیل که اطلاعات مدل کسب و کار در تحلیل‌های سرمایه‌گذاران حساس و حیاتی است، پیشنهاد می‌کند که این اطلاعات در بخشی از صورت‌های مالی به صورت مستقل و جداگانه گزارش و افشا گردد.

مؤسسه پرایس واترهاوس کوپرز (۲۰۱۳) نیز در تحقیق‌های خود دریافت که ۷۱ درصد شرکت‌ها از مدل‌های کسب و کار خود به عنوان منبع و رفرنسی مهم و کلیدی یاد می‌کنند؛ نیمی از شرکت‌ها نیز تمرکز خود را به جزییات مدل‌های کسب و کار معطوف داشته‌اند و ۶۰ درصد نیز اطلاعات مدل کسب و کار را با سایر عناصر گزارش‌های مالی سالانه تلفیق می‌کنند. این مؤسسه در یکی از مطالعات خود که داده‌های آن را به روش مصاحبه با برخی از خبرگان جمع‌آوری کرده بود نشان داد هنوز هم نخستین و مهم‌ترین منبع اطلاعاتی شرکت که سرمایه‌گذاران حرفه‌ای تمایل دارند به آن رجوع کنند، گزارش‌های مالی سالانه شرکت بوده ولی برای درک مدل‌های کسب و کار، راهبردها و ارزش‌آفرینی آن‌ها با چالش‌ها و مشکلات متعددی روبه‌رو هستند. افزون بر این، نتایج نشان داد ۸۸ درصد اعتقاد داشتند که مدل کسب و کار از اهمیت بالایی برخوردار بوده و افشای اطلاعات مدل کسب و کار را تبیینی از چگونگی خلق وجه نقد و ارزش‌آفرینی واحد تجاری می‌دانستند. در ادامه این مؤسسه چنین گزارش نموده است که اگرچه سرمایه‌گذاران برای اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی خود اطلاعات مدل کسب و کار را به عنوان بخش مهمی از اطلاعات مربوط در نظر می‌گیرند، اما آن‌ها معتقدند که شرکت‌ها در به تصویر کشیدن و شفاف‌سازی این دسته از اطلاعات ناکام مانده‌اند (پرایس واترهاوس کوپرز، ۲۰۱۴). نتایج مطالعات این مؤسسه در سال ۲۰۱۴ نشان داد ۸۰ درصد از سرمایه‌گذاران حرفه‌ای معتقدند که برای معنابخشی اطلاعات مدل کسب و کار شرکت‌ها باید ارتباط بین مدل کسب و کار با راهبردهای کلی شرکت به درستی بیان شود؛ ۶۴ درصد نیز ترجیح داده بودند مدل کسب و کار به شکل دیاگرام یا اشکال هندسی توصیف گردد؛ ۳۷ درصد نیز بر این باور بودند که گزارش راهبردهای آتی شرکت کفایت کرده و نیازی به افشای اطلاعات مدل کسب و کار احساس نمی‌شود و در آخر نیز ۵۱ درصد معتقد بودند که گزارش‌های مالی سالانه اطلاعات مطلوبی درباره مدل‌های کسب و کار و راهبردهای واحد تجاری ارائه نمی‌کنند.

به‌طور کلی، انجمن حسابداران مدیریت خبره، انجمن حسابداران مدیریت خبره جهانی، فدراسیون بین‌المللی حسابداران و موسسه پرایس واتر‌هاوس کوپرز، گزارشگری فعلی مدل‌های کسب و کار را ناسازگار، غیرقابل مقایسه و ناقص^{۴۲} می‌دانند (انجمن حسابداران مدیریت خبره، ۲۰۱۳). نگرانی اصلی در (گزارشگری) روایی حسابداری این است که در حال حاضر مشکلی بنام افشای اطلاعات تکراری و غیرضرور^{۴۳} وجود دارد که معمولاً ویژگی‌های عمومی را بیان کرده و از زبان غیراختصاصی استفاده می‌کنند. از این‌رو، انتقادهای شدیدی علیه افشای اطلاعات تکراری و غیرضرور وجود داشته و همین امر خود دلیلی است که برخی بر این باور باشند که توصیف مدل کسب و کار دیدگاه متفاوتی است که باعث بهبود گزارشگری مالی خواهد شد (پیچ، ۲۰۱۴). بنابراین، محققان و افراد حرفه‌ای به دنبال ارائه اطلاعاتی (یعنی همان گزارشگری یکپارچه^{۴۴}) هستند که بتواند اطلاعات مرتبط با راهبرد، حاکمیت، عملکرد و اثرات اجتماعی و زیست محیطی بر بخش‌های روایی گزارشگری مالی را به‌صورت یکجا ارائه نماید. با رجوع به صورت‌های مالی و امعان نظر در آن، در می‌یابیم که انتقادهای شدیدی در مورد پیشرفت‌های استانداردهای حسابداری (یعنی استفاده از ارزش منصفانه، شناخت درآمدها و تمرکز بر اطلاعات مالی) مطرح شده است (بیر^{۴۵} و همکاران، ۲۰۱۰). لذا، بر اساس این انتقادهای تمهیداتی از جمله افشای اطلاعات مدل کسب و کار برای بهبود کیفیت صورت‌های مالی و پیشگیری از دستکاری گزارش‌های عملکرد صورت گرفته است (مارتن و ویگن هوفر^{۴۶}، ۲۰۱۰، لیزنرینگ و همکاران، ۲۰۱۲). در نتیجه وقوع بحران مالی سال ۲۰۰۸، به نظر می‌رسد این بهبودها و پیشرفت‌ها تغییر مسیر داده‌اند؛ به عنوان نمونه، پیشنهادهای صورت گرفته توسط هیئت استانداردهای حسابداری مالی ایالات متحده و هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری با هدف کمک به کاهش دستکاری در حسابداری بر استفاده از بهای تمام شده تاریخی و شناخت درآمد واقعی متمرکز شده‌اند (سینگلتون-گرین، ۲۰۱۰). در ادبیات حسابداری مالی، افشای اطلاعات مدل کسب و کار با دو چالش مهم یعنی افشا و اندازه‌گیری در صورت‌های مالی روبه‌روست. پژوهشگران حسابداری از الگوی اندازه‌گیری مناسب (بهای تمام شده تاریخی، بهای جایگزینی، ارزش منصفانه) صحبت می‌کنند و معتقدند واحدهای تجاری باید برای اندازه‌گیری دارایی‌های خود، مدل کسب و کار خود را در انتخاب روش‌های مختلف اندازه‌گیری دخالت دهند که از نظر ماهیت با

دارایی‌های واحدهای تجاری دیگر یکسان و مشابه هستند (انجمن حسابداران خبره انگلستان و ولز، ۲۰۱۰). همچنین، پژوهشگران حسابداری سطوح افشای یادداشت‌های صورت‌های مالی را مورد بررسی قرار داده و درباره اینکه چه اطلاعاتی می‌توانند با مدل کسب و کار واحد تجاری ارتباط موثری فراهم نمایند، از جمله ترکیب مدل‌های کسب و کار و دارایی‌های نامشهود، به بحث پرداخته‌اند (لاسینی و همکاران، ۲۰۱۵). بنابراین، به منظور شناسایی الگوی حسابداری و افشای مناسب و مطلوب اطلاعات، مفهوم مدل کسب و کار توسط پژوهشگران زیادی مورد بررسی قرار گرفته است (پنین^{۴۷}، ۲۰۰۷؛ بروآم^{۴۸}، ۲۰۱۲؛ لیزنرینگ و همکاران ۲۰۱۲؛ پیچ، ۲۰۱۴؛ سینگلتون-گرین، ۲۰۱۴). در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۹ (جایگزین استاندارد ۳۹) با عنوان ابرازهای مالی، این بار موضوع «قصد و نیت مدیریت» حذف و به جای آن از واژه «مدل کسب و کار» استفاده شد و لذا براساس دستورالعمل مدل کسب و کار، طبقه‌بندی دارایی‌های مالی در سه دسته صورت گرفت (لیزنرینگ و همکاران، ۲۰۱۱). هدف اصلی این استاندارد، ارائه یک دستورالعمل طبقه‌بندی دارایی‌های مالی مبتنی بر مدل کسب و کار بوده که از طریق آن بتوان اطلاعات حسابداری مربوط تر، قابل مقایسه تر، عینی تر و شفاف تری در اختیار استفاده کنندگان قرار داد (هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۱۴). در بیانیه رویه حرفه‌ای هیئت پیرامون تفسیر (گزارش) مدیریت آمده است: اگرچه تمرکز اصلی تفسیر مدیریت به حقایق و شرایط واحد تجاری بستگی دارد، لیکن تفسیر مدیریت باید حاوی اطلاعات مهمی باشد که برای درک مواردی از جمله ماهیت کسب و کار واحد تجاری مفید و مؤثر واقع شود (بیانیه عملی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۰، بند ۲۴). همچنین، در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۰ تحت عنوان صورت‌های مالی تلفیقی، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، واحدهای سرمایه‌گذاری را ملزم کرده تا برخی از واحدهای فرعی را تلفیق نکنند؛ چون واحدهای سرمایه‌گذاری، مدل کسب و کار منحصر به فردی دارند که گزارشگری آن‌ها به ارزش منصفانه و به شکل جداگانه، اطلاعات مربوط تری را نسبت به حالت تلفیق ارائه می‌کنند. از طرفی در سال ۲۰۱۰، شورای گزارشگری مالی بریتانیا نسخه جدیدی از آیین‌نامه حاکمیت شرکتی بریتانیا را منتشر کرد که در آن مدیران ملزم هستند در گزارش‌های مالی سالانه، از مبانی ارزش‌آفرینی و حفظ ارزش شرکت (همان مدل کسب و کار) در بازه زمانی بلندمدت

تفسیرها و توضیحات لازم را ارائه نمایند (شورای گزارشگری مالی بریتانیا، ۲۰۱۰). در نوامبر سال ۲۰۱۱، کمیسیون سرمایه‌گذاری‌ها و اوراق بهادار استرالیا در راهنمایی مقررات شماره ۲۲۸ خود، از شرکت‌ها درخواست کرد در خصوص موضوعاتی از جمله «اجزای اصلی مدل کسب و کار به کار گرفته شده در واحد تجاری، چگونگی ارتباط آن‌ها با یکدیگر، مفروضات کلیدی به کار گرفته شده در این مدل و ریسک‌های مرتبط با آن» توضیح و تفسیرهای لازم را ارائه نمایند. در هشتم ژولای سال ۲۰۱۳، گروه مشورتی گزارشگری مالی اروپا و استانداردگذاران کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا و بریتانیا، بولتن ویژه‌ای منتشر کردند که به نقش مدل کسب و کار در گزارشگری مالی پرداخته است.

همانطور که مشاهده می‌شود هیئت‌ها، کمیته‌ها و مراکز رسمی و معتبر در حوزه حسابداری در خصوص به کارگیری مدل کسب و کار، مطالعات کاملی صورت داده‌اند که خود نشانی از با اهمیت بودن موضوع بوده و لذا، برنامه‌ریزی برای افشای اطلاعات مالی و غیرمالی شرکت‌ها بر اساس مفهوم مدل کسب و کار در سیستم‌های گزارشگری مالی و تدوین و ارزیابی شاخص‌ها و معیارهای کلیدی و مؤثر برای گزارشگری مدل‌های کسب و کار واحدهای تجاری، ضروری به نظر می‌رسد. بدین منظور، پرسش اساسی در پژوهش حاضر این است که مدل یا معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار کدامند و در صورت معرفی این معیارها چگونه می‌توان بر آن‌ها صحه گذاشت؟ آیا مدل افشا، قابلیت پیش‌بینی مناسبی دارد؟ و اینکه برای پذیرش و کاربست مدل و معیارهای پیشنهادی، آیا آن‌ها از برآزش قابل قبولی برخوردار هستند؟ بدین منظور در این پژوهش، پرسش‌های زیر مطرح شده‌اند:

۱. معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار از برآزش مدل اندازه‌گیری قابل قبولی برخوردار است؟
۲. معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار از برآزش مدل ساختاری قابل قبولی برخوردار است؟
۳. معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار از برآزش مدل کلی قابل قبولی برخوردار است؟

پاسخ به پرسش‌های مطرح شده می‌تواند ضمن کنکاش دیدگاه‌های کارشناسان حوزه گزارشگری مالی، بینش‌های آگاهی‌بخشی در خصوص معیارهای گزارشگری و افشای اطلاعات مدل کسب و کار در ایران فراهم کرده و در نهایت، ضمن معرفی معیارهای مذکور، تحلیلی از ساختار کلی مدل و سطح اهمیت ابعاد و مؤلفه‌های گزارشگری مدل کسب و کار ارائه نماید. نتایج این پژوهش می‌تواند به عنوان مبنایی برای شناسایی و ارزیابی معیارهای گزارشگری و افشای اطلاعات مدل کسب و کار در ایران و سیاست‌گذاری بهینه در این حوزه استفاده شود.

پیشینه

مدل‌های کسب و کار و افشای اطلاعات مالی و غیرمالی آن‌ها، موضوع بدیعی است که سابقه استفاده از آن در ادبیات حسابداری جهان و به خصوص در ایران محدود می‌باشد؛ به‌عبارتی پژوهشگران داخلی به اندازه کافی درباره این حوزه بحث و بررسی نکرده‌اند و دامنه پژوهش‌های دانشگاهی آن بسیار محدود و اندک است. هاورری‌لنگو ۴۹ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با استفاده از مدل‌سازی ریاضی و اقتصادی، مدلی را برای ارزیابی کارایی مالی مدل کسب و کار شرکت‌های صنعتی اوکراینی ارائه نمودند. آن‌ها برای ارزیابی کارایی مالی مدل کسب و کار، سیستمی متشکل از مؤلفه‌های ثبات مالی، نقدینگی و تسویه بدهی‌ها، فعالیت کسب و کار و سودآوری تشکیل دادند. همچنین، از قاعده فیش‌بورن ۵۰، روش مجموعه فازی و تحلیل آرایه‌سازی که به ارزیابی عینی‌تر سطح عملکرد مالی مدل کسب و کار کمک می‌کند برای اندازه‌گیری صحیح مؤلفه‌های اصلی عملکرد مالی مدل کسب و کار شرکت‌های صنعتی استفاده شد. حکمت و همکاران (۲۰۲۰) اثر مدل کسب و کار و یکنواختی مطلق حسابداری را بر ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری بررسی کردند. آن‌ها با استفاده از رویکرد کمی، داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه‌های توزیع شده بین ۴۹ نفر از استادان دانشگاه عراق را تحلیل نموده و دریافتند که پذیرش سیستم حسابداری یکنواخت در محیط اقتصادی متمرکز عراق ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری را به‌طور قابل‌ملاحظه تحت تأثیر قرار داده‌اند. این در حالی است که مدل کسب و کار بر ویژگی‌های کیفی اثر قابل‌ملاحظه‌ای نداشته است. جان آبراهامسون ۵۱ و همکاران (۲۰۱۹) میزان اثر نوآوری مدل‌های کسب و کار را بر

قیمت‌های سهام بررسی کرده‌اند. آنها با انجام مطالعه‌ای کمی که مبتنی بر داده‌های بازار سهام بود، ۱۴۷ شرکت نمونه از شرکت‌های فناوری بورس اوراق بهادار ایالات متحده را انتخاب نموده و داده‌های این شرکت‌ها را در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۴ تجزیه و تحلیل نمودند. یافته‌های آنها نشان داد که بازار سرمایه به نوآوران پاداش بیشتری ارائه کرده است که تعداد نوآوری مدل‌های کسب و کار بیشتری داشته‌اند. احمدی و همکاران (۲۰۱۸) رابطه بین مدل کسب و کار و تصمیم‌های مغناطیسی را بررسی نمودند. عوامل پویای محیطی، ویژگی‌های گروه مدیریت ارشد و راهبردهای رقابتی به عنوان متغیرهای تعدیل‌گر در این روابط در نظر گرفته شدند. با استفاده از روش پژوهش پیمایشی و ابزار تحلیلی معادلات ساختاری، داده‌های نمونه‌ای شامل ۲۸۷ نفر از کارشناسان شرکت‌های آی سی تی (ICT) تجزیه و تحلیل گردیده و نتایج نشان دادند که بین مغناطیسی و نوآوری مدل کسب و کار رابطه قابل ملاحظه‌ای مؤثری وجود ندارد. بینی ۵۲ و همکاران (۲۰۱۸) افشای مدل کسب و کار را از بُعد غیرمالی مورد بررسی قرار دادند. به زعم مؤلفان، افشای مدل کسب و کار ابزار ارتباطی شرکت‌ها برای ایجاد اثربخشی افشای شاخص‌های کلیدی غیرمالی عملکرد است. روزلندر و نیلسن (۲۰۱۸) ۵۳ در مقاله‌ای با عنوان حسابداری مدل‌های کسب و کار چنین بیان می‌کنند که امروزه مفهوم مدل‌های کسب و کار در ادبیات بسیاری از نظام بخشی‌ها مورد استقبال و استفاده قرار گرفته و این در حالی است که هنوز در نظام بخشی حسابداری چندان که باید مورد توجه نیست. الساندر و مشلی ۵۴ و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تأثیر افشای اختیاری عناصر غیرالزام‌آور گزارشگری مالی (اطلاعات مدل کسب و کار) را بر ارزش ارتباطی اطلاعات حسابداری بررسی کردند. عناصر غیرالزام‌آور گزارشگری مالی از گزارش تفسیر مدیریت استانداردهای بین‌المللی حسابداری به عنوان عناصر اصلی مدل کسب و کار استخراج شده بود. در این پژوهش نمونه‌ای شامل ۱۲۴ واحد گزارشگر مالی در اروپا طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۰ انتخاب شده و نتایج آن دلالت بر این دارد که شرکت‌هایی که اقدام به افشای بیشتر اطلاعات در خصوص مدل کسب و کار خود کرده‌اند نسبت به شرکت‌هایی که اطلاعات کمتری منتشر کرده‌اند، از ارتباط ارزشی بیشتری نیز برخوردار هستند. بنابراین، نتایج به دست آمده نه تنها اهمیت افشای اطلاعات مرتبط با مدل کسب و کار را نشان می‌دهد بلکه برای جامعه استانداردگذاران و تدوین‌کنندگان مقررات نیز پیام آگاهی‌بخشی ارائه می‌کند که لازم

است از این فرصت برای بهبود استانداردها و دستورالعمل‌ها بهره‌مند شد. جان میچالاک ۵۵ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بحث درباره توسعه و وضعیت فعلی و بالقوه افشای اطلاعات مربوط به مدل‌های کسب و کار پرداخته‌اند و توضیح می‌دهند که کجا، چرا و چگونه سازمان‌ها تمایل دارند تا مدل‌های کسب و کار خود را برای ذی‌نفعان خود افشا کنند. میشل پیچ و اسپیرا ۵۶ (۲۰۱۶) به اهمیت مفهوم مدل کسب و کار پرداخته و سعی نمودند تا به دیدگاه و روش‌هایی پردازند که حاکمیت شرکتی می‌تواند در حمایت و پشتیبانی از مدل کسب و کار مفید واقع شود. از منظر نویسندگان، مفاهیم حاکمیت شرکتی و پایداری و توسعه مدل کسب و کار به یک میزان حائز اهمیت هستند و دلیل آن این است که این دو سیستم اهداف و فعالیت‌های یکسانی را دنبال می‌کنند. کلین هاسلام ۵۷ و همکاران (۲۰۱۵)، مفهوم‌سازی مدل کسب و کار واحد تجاری را با به‌کارگیری نظریه ذی‌نفعان به عنوان زیربنای نظری برای تغییر اهداف گزارشگری مالی مدل کسب و کار و افشای آن مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که روابط ذی‌نفعان در پایداری مالی ارزش پیشنهادی مدل کسب و کار واحد تجاری نقش اساسی داشته و لذا، در پایان پیشنهاد می‌کنند که به‌جای به‌کارگیری از رویکرد عملکرد هزینه‌ها در تهیه صورت سود و زیان از رویکرد ماهیت هزینه‌ها استفاده شود. نیلسن و روزلندر (۲۰۱۵) معتقدند که مفهوم مدل کسب و کار در ارتقا و بهبود گزارشگری مالی سهم به‌سزایی دارد و استفاده از این مفهوم می‌تواند در بهبود محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی نقش مهمی ایفا نماید. پژوهش میچالاک (۲۰۱۵) در مورد محتوای اطلاعات افشاشده پیرامون مدل کسب و کار در ۶۱ شرکت فعال در حوزه فناوری‌های پیشرفته عضو بورس اوراق بهادار لندن، نشان داد که افشای اطلاعات مدل کسب و کار توسط این شرکت‌ها به طور متوسط به یک گزارش دو صفحه‌ای محدود می‌شود که بر افشای اطلاعات در مورد فرآیندهای ایجاد ارزش، بازارهایی که شرکت در آن فعالیت دارد، منابع مورد استفاده و فعالیت‌های کسب و کار شرکت تمرکز دارد. همچنین، این پژوهش نشان می‌دهد که تشریح مدل کسب و کار در گزارش‌های مالی سالانه، تسهیل‌کننده فهم مدل کسب و کار شرکت توسط استفاده‌کنندگان است. پیچ (۲۰۱۴)، مناسب بودن مدل کسب و کار را به عنوان مبنایی برای اندازه‌گیری در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۹ مورد بررسی قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که این رویکرد، معیار مطلوبی برای اندازه‌گیری نیست. از طرفی،

وی به آگاهی‌بخشی‌های گوناگون افشای مدل کسب و کار پی برده و به دلایل استفاده از آن در استانداردهای حسابداری اشاره کرده است. سینگلتون-گرین (۲۰۱۴) در پژوهشی به این نتیجه رسید که با استفاده از قواعد اندازه‌گیری موجود، تقریباً امکان انعکاس افشای مدل کسب و کار واحد تجاری در گزارشگری مالی فراهم خواهد بود. الساندرولای ۵۸ و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله‌ای موضوع مطلوب بودن گزارشگری یکپارچه برای افشای آگاهی‌بخش مدل‌های کسب و کار واحدهای تجاری را بررسی کردند. هدف از انجام این پژوهش ارائه چارچوب تحلیلی برای ارزیابی کیفیت افشای مدل کسب و کار واحدهای تجاری از طریق سه ویژگی زبانی خاص شامل نوع اطلاعات (کمی یا غیرکمی)، نحوه بیان یا لحن (مثبت یا منفی) و دوره زمانی (آینده‌نگر یا گذشته‌نگر) است. ویوین بیٹی ۵۹ و سارا جین اسمیت ۶۰ (۲۰۱۳) در پژوهشی با استفاده از مفهوم مدل کسب و کار در نظام‌بخشی مدیریت، به شناسایی و بحث در مورد ساختارهای کلیدی و ارتباط بین دو مفهوم مدل کسب و کار و سرمایه فکری در گزارشگری روایی پرداختند. نتیجه پژوهش آنها نشان داد که مفهوم مدل کسب و کار می‌تواند مفهومی مسلط و قدرتمند در تمرکز دوباره بر مفهوم سرمایه فکری در نظر گرفته شود. قنبرزاده و همکاران (۱۴۰۰) الگویی را برای افشای داوطلبانه اطلاعات مالی و غیرمالی مدل‌های کسب و کار پیشنهاد کردند. آنان جهت شاخص‌سازی افشای اطلاعات مالی و غیرمالی مدل‌های کسب و کار از روش ساختار چند بُعدی استفاده کرده و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه با برخی از خبرگان، تعداد ۳۶ شاخص در ۶ بُعد را شناسایی نمودند. نتایج حاصل از آزمون‌های استنباطی این پژوهش نشان داد که نظرهای موافق کارشناسان بسیار بیشتر از نظرهای مخالف بوده و پاسخ‌دهندگان نسبت به شاخص‌های تعیین شده با اطمینان بالایی اظهار نظر نموده‌اند و میزان اعتبار هر یک از شاخص‌های افشای داوطلبانه اطلاعات مدل‌های کسب و کار بیشتر از حد متوسط است. همچنین، پیامدهای اقتصادی، تهیه صورت سود و زیان جداگانه و تلفیقی و افشای محرک‌های کلیدی درآمدهای عملیاتی مدل‌های کسب و کار از سطح اهمیت قابل توجهی برخوردار بودند. میرمحمدی و تالانه (۱۴۰۰) در پژوهشی کیفی و با استفاده از تکنیک تحلیل تم سنج‌های غیرمالی را شناسایی نمودند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که از بعدها متفاوتی به سنج‌های غیرمالی برای گزارشگری توجه شده است، از جمله: گزارشگری سنج‌های غیرمالی با منشأ درون سازمانی و برون سازمانی، کمی و کیفی،

مکان و تناوب گزارشگری، اختیاری و اجباری بودن گزارشگری سنج‌های غیرمالی. مهران‌ی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با استفاده از روش‌شناسی آمیخته (کیفی-کمی) مدلی را برای گزارشگری مالی مبتنی بر مفهوم مدل (الگوی) کسب و کار پیشنهاد نمودند. آنها در بخش کیفی با استفاده از روش تحلیل تم ۶ بُعد، ۲۴ مؤلفه و ۶۲ شاخص را برای گزارشگری مالی شناسایی نموده و در بخش کمی از روش دلفی فازی برای غربالگری، ارزیابی و تعیین سطح اهمیت شاخص‌ها بهره‌برده که در نهایت ۵۰ شاخص مورد تأیید خبرگان بوده است. کردستانی و راستگویان (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط افشای مدل کسب و کار با ارزش بازار سهام شرکت براساس مؤلفه‌های مدل کسب و کار پرداختند. به این منظور داده‌های ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نموده که یافته‌های آنان نشان می‌دهد در مجموع افشای مدل کسب و کار تأثیر مثبت بر افزایش ارزش بازار سهام شرکت ندارد. باباجانی و عدلزاده (۱۳۹۹) با ضروری دانستن اندیشه در خصوص عوامل مؤثر بر خلق آینده گزارشگری شرکتی، ساختار پیشران‌های مؤثر بر آینده گزارشگری شرکتی در ایران را تحلیل نمودند. آنها در مصاحبه‌های اکتشافی خود به منظور شناسایی فهرست پیشران‌ها، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه گزارشگری شرکتی بهره‌گرفته و ۵۲ پیشران را شناسایی نمودند. پس از دو دور اجرای دلفی فازی، در نهایت ۳۷ پیشران از جمله اطلاعات مدل کسب و کار به عنوان پیشران‌های بااهمیت پذیرفته شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که سه پیشران ورود به عرصه اقتصادی جهانی، رفع تحریم‌ها و گسترش پیوند با سرمایه‌گذاران خارجی، خصوصی‌سازی مالکیت و توسعه شبکه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری آینده گزارشگری شرکتی، بیشترین تأثیرگذاری را دارند. مهران‌ی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با موضوع شناسایی مؤلفه‌های گزارشگری مالی با رویکرد مدل کسب و کار، ۶ مؤلفه اصلی شامل شفافیت و روایی، پاسخگویی اجتماعی، کاربران (ذی‌نفعان)، محرک‌های کلیدی، عدالت و انصاف در توزیع گزارش و ارائه و نحوه افشا را از طریق روش‌شناسی کیفی و با استفاده از روش تجزیه و تحلیل تماتیک استقرایی شناسایی کردند. افلاطونی و نعمتی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان نقش کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت افشا در افزایش اعتبار تجاری: رویکرد متغیرهای ابزاری، انجام دادند. این پژوهش رابطه کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت افشا را با میزان اعتبار تجاری ۱۴۶ شرکت پذیرفته‌شده در

بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۵ بررسی کرده است. نتایج رویکرد متغیرهای ابزاری نشان می‌دهد که با افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت افشا، میزان اعتبار تجاری افزایش می‌یابد. حمیدیان و همکاران (۱۳۹۶) برای اندازه‌گیری افشای داوطلبانه اطلاعات مدل کسب و کار شرکت‌ها از مدل مشلی و همکاران (۲۰۱۷) استفاده کردند. آن‌ها چک لیستی با پنج بُعد شامل ماهیت کسب و کار، اهداف و استراتژی‌های کسب و کار، منابع، ریسک‌ها و ارتباطات و نتایج عملکرد شرکت تهیه نمودند و داده‌های ۱۲۷ شرکت بورس اوراق بهادار را مورد آزمون قرار دادند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که افشای داوطلبانه مؤلفه‌های مدل کسب و کار ارتباط ارزشی بالاتری نسبت به مؤلفه‌های افشای محدود فراهم می‌سازد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ فلسفه پژوهش، اثبات‌گرایی؛ از لحاظ جهت‌گیری پژوهش، کاربردی؛ از لحاظ رویکرد، استقرایی؛ از لحاظ روش‌شناسی، کمی؛ از لحاظ راهبرد پژوهش، همبستگی و به صورت خاص تحلیل عاملی و روش مدل‌یابی معادلات ساختاری مبتنی بر رویکرد کمترین مربعات جزئی^۱؛ از لحاظ هدف، توصیفی؛ از لحاظ ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. مراحل اجرای پژوهش بدین شرح است: الف. مطالعه مبانی نظری (روش کتابخانه‌ای)، ب. تعیین معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار و پ. تجزیه و تحلیل سیستماتیک و ارزیابی معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار می‌باشد.

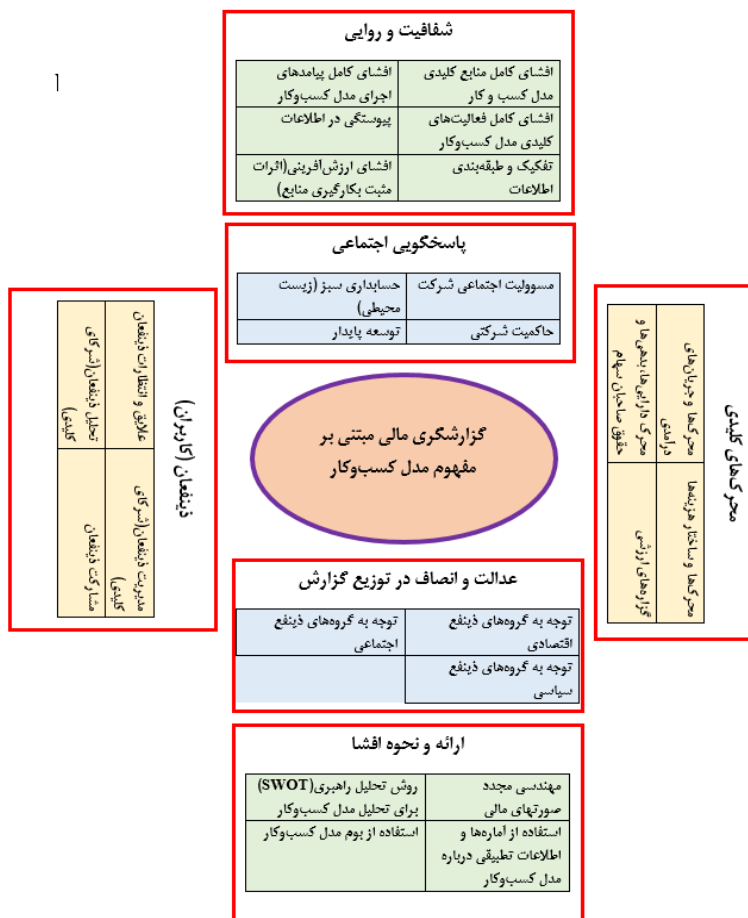
ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش، پرسشنامه‌ای است که متشکل از دو بخش می‌باشد. بخش اول شامل پرسش‌های عمومی مشتمل بر پنج پرسش است. بخش دوم شامل ۴۲ پرسش تخصصی به صورت طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت و در رابطه با موضوع پژوهش است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده و شاخص‌های آماری و اجتناب از محدودیت‌های رویکرد مبتنی بر کواریانس در خصوص خواص توزیعی، سطح اندازه‌گیری، حجم نمونه و پیچیدگی مدل (چین، ۲۰۱۰؛ فورنل و بوکشتاین، ۱۹۸۲؛ وتزلس، ۲۰۰۹) از روش تحلیل کمترین مربعات جزئی و نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس (Smart-PLS) استفاده شد. علت انتخاب این نرم‌افزار مزایایی مانند تخمین روابط

چندگانه، قابلیت سنجش متغیرهای پنهان، محاسبه خطای اندازه‌گیری و قابلیت بررسی تأثیر هم‌خطی است. از ویژگی‌های مهم رویکرد حداقل مربعات جزئی به حداقل رسیدن حساسیت به حجم نمونه است و همچنین نرمال نبودن توزیع داده‌ها، مانعی برای استفاده از نرم‌افزار اسمارت-پی‌ال‌اس نیست (هیر^{۶۲} و همکاران، ۱۹۹۸: ۲۶؛ ویکسون و واتسون^{۶۳}، ۲۰۰۱: ۲۶؛ گری^{۶۴}، ۲۰۰۳: ۴۱۶).

ساختار سلسله مراتبی افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار

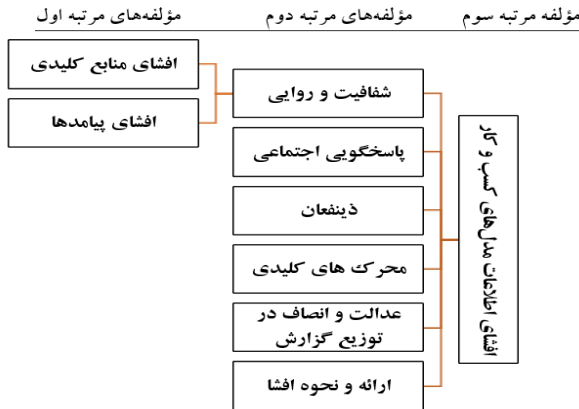
مقیاس معیارهای افشای اطلاعات مدل کسب و کار واحدهای تجاری از پژوهش مهرانی و همکاران (۱۳۹۹) (نوبت چاپ) اقتباس شده است. در پژوهش مهرانی و همکاران با روش تحلیل تم در مصاحبه با ۲۳ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران دانشگاهی و اجرایی به کمک نمونه‌گیری هدفمند و به روش گلوله برفی تعداد ۶ تم اصلی و ۲۴ تم فرعی استخراج گردیده که جزئیات آن در شکل ۲ نمایش داده شده است.

از سودمندی‌های رویکرد کمترین مربعات جزئی ارزیابی مدل سلسله مراتبی می‌باشد که در پژوهش حاضر، با استفاده از این رویکرد به ارزیابی ساختاری متغیر پنهان مرتبه بالاتر پرداخته شد (طباطبائی و همکاران، ۱۳۹۵). در تجزیه و تحلیل مسیر پی‌ال‌اس برای مفهوم‌سازی مدل سلسله مراتبی از متغیرهای آشکار به طور مکرر استفاده می‌شود (گینوت^{۶۵} و همکاران، ۲۰۰۱؛ تنهاوس^{۶۶} و همکاران، ۲۰۰۵). بدین ترتیب، یک متغیر پنهان مرتبه بالاتر می‌تواند به وسیله تمام متغیرهای آشکار (سؤالات) مرتبه پایین‌تر ساخته شود. برای مثال، طبق مندرجات شکل ۳، متغیرهای پنهان مرتبه دوم یعنی متغیر شفافیت و روایی متشکل از دو متغیر پنهان مرتبه اول هستند که هر کدام از متغیرهای پنهان مرتبه اول نیز از تعدادی متغیر آشکار تشکیل شده‌اند. در این مدل سلسله مراتبی، هر متغیر پنهان مرتبه دوم با استفاده از تمام متغیرهای آشکار متغیرهای پنهان مرتبه اول مشخص می‌شود (تنهاوس و همکاران، ۲۰۰۵).



شکل ۲: ابعاد و مؤلفه‌های گزارشگری مالی مدل کسب و کار

ساختار سلسله مراتبی ابزار تجزیه و تحلیل و ارزیابی افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار به شرح شکل ۳ می‌باشد.



شکل ۳: ساختار سلسله مراتبی افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار اقتباس شده از مهران‌ی و همکاران (۱۳۹۹)

جامعه و نمونه

جامعه آماری این پژوهش متشکل از سه گروه الف) استادان و صاحب‌نظران دانشگاهی، ب) مدیران اجرایی و حساب‌رسان و ج) کارشناسان و تحلیل‌گران مالی می‌باشند که در حوزه گزارشگری مالی و مدل کسب و کار از دانش و تجربه کافی برخوردار بودند. در مرحله نمونه‌گیری، برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری کوکران استفاده شده است. با در نظر گرفتن سطح خطای ۸ درصد و سطح اطمینان ۵ درصد، تعداد نمونه ۱۵۰ به شرح رابطه ۱ محاسبات شد:

$$n = \frac{(Z_{\alpha pq})^2}{d^2} = \frac{(1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.08)^2} = 15 \quad \text{رابطه (۱)}$$

با توجه به عدم دسترسی به افراد خبره‌ای که به هر دو مفهوم گزارشگری مالی و مدل‌های کسب و کار تسلط کامل داشته باشند و همچنین نگرانی از وجود پاسخ‌های نادرست و بی‌دقت، برای نمونه‌گیری از روش غیرتصادفی به شکل نمونه غیراحتمالی استفاده شده است. در این مرحله، با توجه به ویژگی‌های مذکور، تعداد ۲۵۰ پرسشنامه بین پاسخ‌دهندگان توزیع گردیده است. پس از پیگیری‌های انجام شده ۱۹۶ پاسخ دریافت شد که مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج بدست آمده در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱: اطلاعات مربوط به توزیع پرسشنامه‌ها و دریافت آن‌ها

جمع کل پرسشنامه‌ها		نسخه الکترونیکی		نسخه کاغذی		شرح
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۲۵۰	۴۰	۱۰۰	۶۰	۱۵۰	پرسشنامه‌های توزیع شده
۲۲	۵۴	۲۲	۲۲	۲۱	۳۲	پرسشنامه‌های پاسخ داده نشده یا غیرقابل تحلیل
۷۸	۱۹۶	۷۸	۷۸	۷۹	۱۱۸	پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده و قابل تحلیل

طبق جدول ۱، پرسشنامه‌های پاسخ داده شده و قابل تحلیل، ۱۹۶ پاسخ است که از تعداد نمونه با توجه به فرمول کوکران بیشتر است و از این لحاظ نمونه مناسبی است. یادآوری می‌شود که از ویژگی‌های مهم رویکرد حداقل مربعات جزئی به حداقل رسیدن حساسیت به حجم نمونه (نمونه‌های کوچک) است و در نظر گرفتن سطح خطای ۸ درصد در سطح اطمینان ۵ درصد، خللی در روند تحلیل آماری ایجاد نخواهد کرد. روش‌های نسل اول مدل‌سازی معادلات ساختاری که با نرم افزارهایی نظیر لیزرل یا آموس اجرا می‌شدند، نیاز به تعداد نمونه زیاد دارند، در حالی که نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس توان اجرای مدل با تعداد نمونه خیلی کم را دارا می‌باشد. همچنین، نرمال نبودن توزیع داده‌ها، مانعی برای استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس نیست.

روایی و پایایی

در این پژوهش، به منظور حصول اطمینان از روایی پرسشنامه، از روش روایی صوری و محتوایی (کیفی-کمی) استفاده شد. تعیین روایی صوری کیفی در یک پانل پنج نفره تخصصی با حضور متخصصین حوزه گزارشگری مالی و مدل‌های کسب و کار برای یافتن میزان عدم تناسب، ابهام عبارات و یا وجود نارسایی در معانی کلمات انجام گرفت که

نظرات آنان به صورت تغییراتی جزئی در پرسشنامه اعمال شد. برای تعیین کمی روایی صوری، ضریب تأثیر هر سوال محاسبه شد. لذا پرسشنامه در اختیار ۱۵ نفر متخصص قرار گرفت. پس از تکمیل پرسشنامه توسط گروه هدف، با استفاده از فرمول ضریب تأثیر (رابطه ۲)، روایی صوری محاسبه شد (پیرای^{۶۷} و همکاران، ۲۰۱۸).

رابطه (۲) ضریب اهمیت \times فراوانی = ضریب تأثیر

به منظور تعیین روایی محتوا از روش‌های پیشنهادی چادویک^{۶۸} و همکاران (۱۹۸۲) و لاوشه (۱۹۷۵) استفاده شد. در بررسی کیفی روایی محتوا از پنج نفر از متخصص حوزه گزارشگری مالی و مدل‌های کسب و کار درخواست شد پس از مطالعه دقیق ابزار، دیدگاه‌های اصلاحی خود را به صورت کتبی ارائه نمایند. همچنین تأکید شد که در ارزیابی کیفی روایی محتوا، موارد رعایت دستور زبان، استفاده از کلمات مناسب، اهمیت سؤال‌ها، قرارگیری سؤال‌ها در جای مناسب خود، زمان تکمیل ابزار طراحی شده را مدنظر قرار دهند (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۰). به تبعیت از حاجی‌زاده و اصغری (۱۳۹۰) و پیرای و همکاران (۲۰۱۸)، برای ارزیابی کمی روایی محتوا و برای اطمینان از این که مهم‌ترین و صحیح‌ترین محتوا (ضرورت سؤال) انتخاب شده است، نسبت روایی محتوا^{۶۹} و برای اطمینان از اینکه سؤال‌ها ابزار به بهترین نحو برای اندازه‌گیری محتوا طراحی شده، از شاخص روایی محتوا^{۷۰} (لاوشه، ۱۹۷۵) استفاده شد. نسبت روایی محتوا بر اساس رابطه ۳ محاسبه و با جدول لاوشه انطباق داده شد. در صورتی که عدد حاصل از عدد جدول بزرگتر باشد حاکی از این است که وجود قلم مربوط با سطح معناداری آماری قابل قبول ($P < 0/05$) در این ابزار ضروری و مهم است.

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}} \quad \text{رابطه (۳)}$$

در رابطه (۳)، CVR نسبت روایی محتوا، n_E تعداد متخصصانی است که به گزینه ضروری پاسخ داده‌اند و N تعداد کل متخصصان است. اگر مقدار محاسبه شده از مقدار جدول بزرگتر باشد اعتبار محتوای آن آیتم پذیرفته می‌شود.

پس از تعیین و محاسبه نسبت روایی محتوا، بررسی شاخص روایی محتوا بر اساس شاخص روایی محتوای واتز و بازل^{۷۱} (۱۹۸۳) صورت گرفت. بدین منظور مجدداً پرسشنامه

جهت محاسبه شاخص روایی محتوا به ۱۵ نفر از متخصصین ذکر شده داده شد و از آنان خواسته شد که در مورد هر یک از ۴۲ سؤال اظهار نظر نمایند. نتایج ضریب تأثیر حاکی از آن بود که تمامی سؤال‌ها، نمره مساوی یا بیشتر از ۱/۵ داشتند، بنابراین در پرسشنامه گنجانده شدند. نتایج شاخص روایی محتوا حاکی از آن بود که تمام سؤال‌ها بالاتر از ۰/۷۹ داشتند (هیر کاس و همکاران، ۲۰۰۳). طبق نتایج نسبت روایی محتوا، حاکی از آن بود که تمام سؤال‌ها نمره مساوی یا بزرگتر از ۰/۴۹ عدد جدول لاوشه (۱۹۷۵) بود و سؤال‌های ضروری و مهم در این ابزار به کار گرفته شده و می‌توان ادعا کرد که بنابر نظر خبرگان، پرسشنامه از اعتبار کافی برخوردار است (دی‌وون‌ها^{۲۲} و همکاران، ۲۰۰۷). پایایی کل پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ بررسی شد. میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸۹ محاسبه شد که نشان از میزان رضایت‌بخشی اعتماد به پرسشنامه بود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

نتایج آمار توصیفی

در بخش اول پرسشنامه، پرسش‌های عمومی مرتبط با ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان شامل سطح تحصیلات، رشته تحصیلی، وضعیت شغلی، سن و جنسیت مطرح شد. نتایج بدست آمده در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲: اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

سؤال	سطوح	فراوانی	درصد	سؤال	سطوح	فراوانی	درصد
رشته تحصیلی	حسابداری	۱۷۳	۸۳٪	وضعیت شغلی	عضو هیئت علمی	۲۷	۱۴٪
	مدیریت	۲۱	۱۱٪		مدیر ارشد	۷۳	۳۷٪
	اقتصاد	۲	۱٪		مدیر میانی	۸۴	۴۳٪
تحصیلات	دکتری	۳۸	۱۹٪	سن	حسابرس	۱۲	۶٪
	دانشجوی دکتری	۴۵	۲۳٪		کمتر از ۴۰ سال	۵۸	۳۰٪
جنسیت	کارشناسی ارشد	۱۱۳	۵۸٪	بین ۴۱ تا ۵۰ سال	۷۶	۳۹٪	
	زن	۲۵	۱۳٪	بیش از ۵۱ سال	۶۲	۳۱٪	
	مرد	۱۷۱	۸۷٪				

۸۳٪ درصد از پاسخ‌دهندگان در رشته حسابداری، ۱۱٪ درصد در رشته مدیریت و ۶٪ درصد هم در رشته اقتصاد تحصیل نموده‌اند. ۱۹٪ از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک دکتری، ۲۳٪ درصد دانشجوی دکتری و مابقی (۵۸٪) نیز کارشناسی ارشد بودند. ۸۰٪ درصد از پاسخ‌دهندگان در رده مدیریت (ارشد و میانی) سابقه فعالیت داشته و ۱۴٪ درصد نیز از اعضای هیئت علمی دانشگاه بودند. اکثر پاسخ‌دهندگان (۳۹٪) در رده سنی ۴۱ سال تا ۵۰ سال قرار داشتند و بیشترین سهم از آن مردان با سهم ۸۷٪ بود. همچنین، معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار در قالب ۴۲ گویه کدبندی شد و در قالب طیف لیکرت مورد نظرسنجی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بیشترین میانگین مربوط به افشای محرک‌های کلیدی و جریان درآمدهای عملیاتی مربوط به مدل‌های کسب و کار با میانگین ۴/۶۸ است. انحراف معیار به دست آمده برای هریک از گویه‌ها نشان‌دهنده این است که استفاده از بوم یا تابلوی مدل‌های کسب و کار به عنوان یک ابزار گرافیکی و تشریحی برای بیان عناصر مدل‌های کسب و کار با انحراف معیار ۱/۵۸ دارای پایین‌ترین دقت را داشته است. نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که داده‌ها برای استفاده از روش کمترین مربعات جزئی برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار درست و مطلوب هستند.

نتایج روش کمترین مربعات جزئی (پی‌ال‌اس) و پاسخ به پرسش‌های پژوهش برازش مدل اندازه‌گیری

مطابق الگوریتم تحلیل مدل‌ها در روش حداقل مربعات جزئی، برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری از معیارهای پایایی هریک از گویه‌ها (بارهای عاملی گویه‌ها)، معناداری t ، آلفای کروناخ، پایایی ترکیبی هریک از سازه‌ها، روایی همگرا (واریانس استخراج شده) و روایی واگرا استفاده شده است (فورنل و لارکر^۳، ۱۹۸۱).

پایایی هریک از گویه‌ها به مقدار بارهای عاملی هریک از متغیرهای مشاهده شده، اشاره دارد و برای مشخص کردن این که شاخص‌های اندازه‌گیری (متغیرهای مشاهده شده) تا چه اندازه برای سنجش متغیرهای پنهان قابل قبول‌اند، مورد استفاده قرار گرفته و حداقل مقدار قابل قبول آن ۰/۳ و بارهای عاملی ۰/۴ (هولند، ۱۹۹۹) سطح معناداری متوسط را نشان می‌دهد. در تحلیل‌های عاملی تأییدی، مقادیر بارهای عاملی بالاتر از ۰/۵ نشانگر سطح معناداری قوی و همبستگی زیاد بین متغیرهای مشاهده شده و

تجزیه و تحلیل سیستماتیک و ارزیابی معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار و... ۱۲۷

عامل بوده و بیانگر آن است که سازه خوب تعریف شده است (کلانتری، ۱۳۸۸). البته با افزایش حجم نمونه و تعداد متغیرها، بارهای عاملی کوچکتر از ۰/۲۵ نیز معنادار است. برای مواردی که تعداد نمونه ۱۰۰ باشد، بارهایی که حداقل ۰/۱۹ و ۰/۲۶ هستند به ترتیب در سطح پنج درصد و یک درصد معنادار تلقی می‌شوند. در حجم نمونه ۲۰۰ تایی مقادیر ۰/۱۴ و ۰/۱۸ به ترتیب در سطح پنج درصد و یک درصد معنادار لحاظ می‌شوند.

آلفای کرونباخ برای ارزیابی همسانی درونی ابزار اندازه‌گیری محاسبه می‌شود. آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ نشانگر پایایی قابل قبول است (کرونباخ، ۱۹۵۱). البته موس^{۷۴} و همکاران (۱۹۹۸) در مورد متغیرهای با تعداد سؤال‌های اندک، مقدار ۰/۶ را به عنوان سرحد ضریب معرفی کرده‌اند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳).

پایایی ترکیبی^{۷۵} میزان کیفیت گویه‌های یک عامل نهفته را در اندازه‌گیری آن می‌سنجید که توسط ورتس^{۷۶} و همکاران (۱۹۷۴) معرفی شد. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی بالاتر از ۰/۷ باشد، نشان از پایداری درونی مناسب است (نونالی، ۱۹۷۸ و نونالی و بمستین^{۷۷}، ۱۹۹۴). ذکر این نکته ضروری است که پایایی ترکیبی معیار بهتری از آلفای کرونباخ به‌شمار می‌رود (وینزی^{۷۸} و همکاران، ۲۰۱۰، داوری و رضازاده، ۱۳۹۳).

جدول ۳: برازش مدل اندازه‌گیری: بارهای عاملی، معناداری گویه‌ها، آلفای کرونباخ و

پایایی ترکیبی

ردیف	سؤال	بارهای عاملی	معناداری t	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
شفافیت و روایی					
۱	افشای کامل اطلاعات منابع مالی مدل‌های کسب و کار	۰/۷۶	۸/۲۸	۰/۸۵	۰/۸۸۴
۲	افشای کامل اطلاعات منابع تولیدی مدل‌های کسب و کار	۰/۷۳	۷/۱۳		
۳	افشای کامل اطلاعات منابع انسانی مدل‌های کسب و کار	۰/۷۴	۹/۴		
۴	افشای کامل اطلاعات منابع فکری مدل‌های کسب و کار	۰/۶۳	۵/۳۰		
۵	افشای کامل اطلاعات منابع طبیعی مدل‌های کسب و کار	۰/۷۳	۱۰/۵		
۶	افشای کامل اطلاعات منابع ارتباطی و اجتماعی مدل‌های کسب و کار	۰/۵۰	۳/۱۲		
۷	افشای کامل پیامدهای اقتصادی ناشی از به‌کارگیری منابع (مالی) - تولیدی - انسانی - فکری - طبیعی و اجتماعی) در مدل‌های کسب و کار به تفکیک	۰/۸۲	۱۱/۲		

ردیف	سؤال	بارهای عاملی	معناداری t	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
۸	افشای کامل پیامدهای اجتماعی ناشی از به کارگیری منابع (مالی-تولیدی-انسانی-فکری-طبیعی و اجتماعی) در مدل‌های کسب و کار به تفکیک	۰/۷۶	۱۱/۶		
۹	افشای کامل پیامدهای زیست محیطی ناشی از به کارگیری منابع (مالی-تولیدی-انسانی-فکری-طبیعی و اجتماعی) در مدل‌های کسب و کار به تفکیک	۰/۷۷	۹/۱۰		
۱۰	افشای کامل پیامدهای اخلاقی و معنوی ناشی از به کارگیری منابع (مالی-تولیدی-انسانی-فکری-طبیعی و اجتماعی) در مدل‌های کسب و کار به تفکیک	۰/۷۱	۷/۳۴		
پاسخگویی اجتماعی					
۱۱	اطلاعات مربوط به اهداف و مسوولیت اجتماعی شرکت از اجرای مدل‌های کسب و کار	۰/۷۵	۱۰/۲۷		
۱۲	اطلاعات مربوط به حسابداری سبز یا حسابداری زیست محیطی مدل‌های کسب و کار	۰/۷۶	۷/۶		
۱۳	اطلاعات مربوط به حاکمیت شرکتی مدل‌های کسب و کار	۰/۷۴	۶/۰۸	۰/۷۰۳	۰/۸۰۸
۱۴	اطلاعات مربوط به موضوعات بین نسلی ناشی از اجرای مدل‌های کسب و کار (توسعه پایدار)	۰/۶۶	۷/۴۹		
۱۵	اطلاعات مربوط به رعایت الزامات شرعی و قانونی مدل‌های کسب و کار	۰/۴۲	۲/۴۵		
ذینفعان					
۱۶	تعیین شرکای کلیدی یا ذینفعان کلیدی مدل‌های کسب و کار واحد تجاری از طریق تکنیک مدیریت و تحلیل ذینفعان	۰/۷۳	۷/۶۱		
۱۷	اطلاعات برنامه‌ریزی، مدیریت و کنترل علائق و انتظارات ذینفعان در مدل‌های کسب و کار	۰/۴۱	۳/۰۹		
۱۸	ارزیابی و تعیین میزان مشارکت ذینفعان در اجرای مدل‌های کسب و کار	۰/۷۱	۷/۲۴	۰/۷۱۷	۰/۸۱۸
۱۹	اجرای حسابرسی عملیاتی مدل‌های کسب و کار زیر نظر کمیته حسابرسی داخلی	۰/۷۸	۷/۸۴		
۲۰	افشای ریسک‌ها و فرصت‌های رشد مدل‌های کسب و کار	۰/۷۶	۹/۵۷		

ردیف	سؤال	بارهای عاملی	معناداری t	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
محرك‌های کلیدی					
۲۱	افشای محرك‌های کلیدی و ساختار هزینه‌های عملیاتی مربوط به هر یک از مدل‌های کسب و کار	۰/۷۷	۶/۵۷	۰/۷۹۱	۰/۸۵۲
۲۲	افشای محرك‌های کلیدی و ساختار هزینه‌های غیر عملیاتی مربوط به مدل‌های کسب و کار	۰/۷۶	۸/۵۰		
۲۳	افشای محرك‌های کلیدی و جریان درآمدهای عملیاتی مربوط به مدل‌های کسب و کار	۰/۸۴	۱۳/۰۷		
۲۴	افشای محرك‌های کلیدی و جریان درآمدهای غیر عملیاتی مربوط به مدل‌های کسب و کار	۰/۴۳	۵/۱		
۲۵	افشای گزاره‌های ارزشی-مالی مدل‌های کسب و کار	۰/۶۶	۸/۶۱		
۲۶	افشای گزاره‌های ارزشی-غیرمالی مدل‌های کسب و کار	۰/۴۱	۷/۲		
۲۷	افشای محرك‌های کلیدی تخصیص دارایی‌ها، بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام به مدل‌های کسب و کار	۰/۶۹	۸/۵۱		
۲۸	افشای کامل اطلاعات فعالیت‌های کلیدی (Key Activities) مربوط به مدل‌های کسب و کار	۰/۸۰	۱۲/۴		
عدالت و انصاف در توزیع گزارش					
۲۹	تعیین گروه‌های ذینفع اقتصادی و سهم آنان از اجرای مدل‌های کسب و کار.	۰/۸۳	۷/۷	۰/۷۷۱	۰/۸۴۰
۳۰	تعیین گروه‌های ذینفع اجتماعی و سهم آنان از اجرای مدل‌های کسب و کار	۰/۷۳	۵/۴۳		
۳۱	تعیین گروه‌های ذینفع سیاسی و سهم آنان از اجرای مدل‌های کسب و کار	۰/۴۱	۲/۱۱		
۳۲	افشای اجباری عناصر مدل‌های کسب و کار	۰/۶۲	۴/۸۲		
۳۳	کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بین ذینفعان از طریق افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار	۰/۷۴	۷/۲۵		
۳۴	کاهش اضافه بار اطلاعاتی از طریق افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار	۰/۷۱	۵/۰۰۵		
ارائه و نحوه افشا					
۳۵	تهیه صورت وضعیت مالی هر یک از مدل‌های کسب و کار	۰/۶۹	۴/۶۲	۰/۸۳۷	۰/۸۷۶

ردیف	سؤال	بارهای عاملی	معناداری t	آلفای کروناخ	پایایی ترکیبی
	واحد تجاری بصورت جداگانه و تلفیقی				
۳۶	تهیه صورت سود و زیان هر یک از مدل‌های کسب و کار واحد تجاری بصورت جداگانه و تلفیقی	۰/۷۹	۴/۵۵		
۳۷	تهیه صورت جریان گردش وجوه نقد هر یک از مدل‌های کسب و کار واحد تجاری بصورت جداگانه و تلفیقی	۰/۷۵	۵/۱۲		
۳۸	تهیه صورت سود و زیان جامع هر یک از مدل‌های کسب و کار واحد تجاری بصورت جداگانه و تلفیقی	۰/۸۲	۱۱/۰۲		
۳۹	ارائه و افشای اطلاعات مربوط به تجزیه و تحلیل سوآت (SWOT) مدل‌های کسب و کار	۰/۷۴	۶/۱۹		
۴۰	استفاده از آماره‌ها و اطلاعات تطبیقی درباره مدل‌های کسب و کار	۰/۶۱	۲/۹۱		
۴۱	ارائه اطلاعات مرتبط با اثرات مثبت یا منفی ناشی از مصرف منابع در مدل‌های کسب و کار (ارزش آفرین بودن یا نبودن مدل‌های کسب و کار)	۰/۷۰	۵/۰۲		
۴۲	استفاده از بوم یا تابلوی مدل‌های کسب و کار به عنوان یک ابزار گرافیکی و تشریحی برای بیان عناصر مدل‌های کسب و کار	۰/۲۷	۲/۱۱		

نتایج حاصل از جدول ۳ حاکی از آن است که سازه‌های مورد نظر به درستی در مدل برازش یافته و بارهای عاملی معنادارند. به عبارتی دیگر، سؤال‌ها با سطح همبستگی بالا به خوبی متغیرهای مشاهده شده را اندازه‌گیری می‌کند و به طور معناداری به عامل زیربنایی خود مرتبط هستند و می‌توان گفت که مدل اندازه‌گیری طی ارزیابی شاخص‌های جزئی مطلوب است. معناداری آزمون t در سطح ۹۵ درصد اطمینان برای تک تک سؤال‌های هر عامل در جدول ۳ مشخص شده است. از آنجا که مقادیر برای t از ۱/۹۶ بیشتر هستند، معناداری گویه‌ها تأیید می‌گردد. طبق نتایج حاصل در جدول ۳، مقدار آلفای کروناخ برای سازه شفافیت و روایی ۰/۸۵، سازه پاسخگویی اجتماعی ۰/۷۰۳، سازه ذی‌نفعان یا استفاده‌کنندگان ۰/۷۱۷، سازه محرک‌های کلیدی ۰/۷۹۱، رعایت عدالت و انصاف در توزیع گزارش ۰/۷۷۱ و سازه نحوه ارائه و افشا ۰/۸۳۷ محاسبه شد که نشان می‌دهد همسانی درونی گویه‌ها در سطح مطلوبی قرار دارند (خوشکام و همکاران، ۲۰۱۶). با توجه به اینکه آلفای کروناخ و پایایی ترکیبی تمام متغیرهای پژوهش حاضر از ۰/۸ بیشتر است،

همه متغیرهای پنهان ضرایب قابل قبولی دارند (خوشکام و همکاران، ۲۰۱۶). بخش دیگری از برازش مدل‌های اندازه‌گیری شامل بررسی روایی همگرا و واگرایی سازه‌های پژوهش است.

روایی همگرا: پس از بررسی معیار پایایی، دومین معیار برازش مدل‌های اندازه‌گیری روایی همگرا است. روایی همگرا^{۷۹} نشان می‌دهد چقدر متغیرهای یک سازه با همدیگر همراستا هستند. روایی همگرا براساس مدل بیرونی و با محاسبه میانگین واریانس استخراج^{۸۰} بررسی می‌شود (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). میانگین واریانس استخراج نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است. به بیان ساده‌تر این معیار میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود را نشان می‌دهد که هرچه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. میانگین واریانس استخراج توسط فورنل و لارکر (۱۹۸۱) ارائه شده است و اگر بالاتر از ۰/۵ باشد، مدل اندازه‌گیری دارای روایی همگرا است. با این حال مگنر^{۸۱} و همکاران (۱۹۹۶) مقدار ۰/۴ به بالا را هم کافی دانستند.

جدول ۴: برازش مدل اندازه‌گیری: روایی همگرای سازه‌ها

روایی همگرا (AVE)	سازه‌های پژوهش	روایی همگرا (AVE)	سازه‌های پژوهش
۰/۵۷۷	۲. افشای منابع کلیدی	۰/۵۸۳	۱. ارائه و نحوه افشا
۰/۵۸۲	۴. ذینفعان	۰/۵۹۱	۳. افشای پیامدها
۰/۵۷۶	۶. رعایت عدالت و انصاف در توزیع گزارش	۰/۵۳۷	۵. شفافیت و روایی
۰/۶۶۶	۸. پاسخگویی اجتماعی	۰/۵۹۵	۷. محرک‌های کلیدی
۰/۶۷=(AVE)	میانگین واریانس استخراج	۰/۶۵۳	۹. افشای اطلاعات مدل کسب و کار

براساس نتایج جدول ۴ میانگین واریانس استخراج شده بزرگتر از ۰/۵ است، بنابراین روایی همگرای تمامی فاکتورها تأیید می‌گردد (کامپونسرو و همکاران، ۲۰۱۶).
روایی واگرا: روایی واگرا سومین معیار سنجش برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش پیل‌اس است. روایی واگرا به همبستگی پایین گویه‌های یک متغیر پنهان با سایر متغیرهای

پنهان اشاره دارد. براساس روش پیشنهادی فورنل و لارکر (۱۹۸۱) روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که جذر میانگین واریانس استخراج برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر در مدل باشد. بر این اساس، روایی واگرایی قابل قبول یک مدل اندازه‌گیری حاکی از آن است که یک سازه در مدل، تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارد تا با سازه‌های دیگر. در روش پی‌ال‌اس، این امر به وسیله یک ماتریس صورت می‌گیرد که خانه‌های این ماتریس حاوی مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها و قطر اصلی ماتریس جذر مقادیر میانگین واریانس استخراج مربوط به هر سازه است. در روایی واگرا به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که تا چه حد یک عامل در رقابت با عامل‌های خارجی نامرتب و محاسبه نشده می‌تواند واریانس مجموعه‌ای از سؤال‌ها را تبیین کند؟ اگر عاملی بیشترین مقدار از واریانس درون مجموعه‌ای از سؤال‌ها را برآورده کند و در واقع، با عامل‌های نامرتب همبستگی کمتری نشان دهد، دارای روایی واگرا است؛ به عبارت دیگر، جذر روایی همگرایی هر مؤلفه بیشتر از حداکثر همبستگی آن مؤلفه با مؤلفه‌های دیگر باشد (طباطبائی و همکاران، ۱۳۹۵). این مدل در صورتی روایی واگرایی قابل قبولی دارد که اعداد مندرج در قطر اصلی جدول ۵ از مقادیر زیرین خود بیشتر باشند.

جدول ۵: ماتریس سنجش روایی واگرا

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
								۰/۷۶۳	۱. ارائه و نحوه افشا
							۰/۷۵۶	۰/۴۱۶	۲. افشای منابع کلیدی
						۰/۷۶۹	۰/۶۷۲	۰/۵۰۸	۳. افشای پیامدها
					۰/۷۶۲	۰/۶۷۳	۰/۵۸۸	۰/۴۷۴	۴. ذینفعان
				۰/۷۳۲	۰/۶۸۸	۰/۵۹۹	۰/۶۲۸	۰/۶۷۴	۵. شفافیت و روایی
			۰/۷۵۸	۰/۵۷۸	۰/۶۸۱	۰/۳۱۶	۰/۶۱۶	۰/۷۴۷	۶. رعایت عدالت و انصاف در توزیع گزارش
		۰/۷۷۱	۰/۶۷۱	۰/۷۲۸	۰/۷۵۱	۰/۶۹۲	۰/۶۴۰	۰/۵۷۰	۷. محرک‌های کلیدی
	۰/۸۱۶	۰/۶۹۱	۰/۵۳۴	۰/۷۸۲	۰/۶۷۵	۰/۵۸۸	۰/۶۷۶	۰/۵۵۵	۸. پاسخگویی اجتماعی
۰/۸۰۸	۰/۷۵۷	۰/۶۶۴	۰/۳۲۸	۰/۵۱۲	۰/۵۴۸	۰/۴۶۷	۰/۵۰۵	۰/۵۳۵	۹. افشای اطلاعات مدل کسب‌وکار

طبق داده‌های جدول شماره ۵، مجذور روایی همگرایی هر سازه از مقادیر همبستگی

بین سازه‌های دیگر بزرگتر می‌باشد، لذا مدل تحقیق، از نظر روایی واگرا مطابق روش فورنل و لارکر مورد تأیید می‌باشد.

برازش مدل ساختاری

برخلاف مدل‌های اندازه‌گیری که در آن روابط بین متغیر مکنون با متغیرهای آشکار مورد توجه است، در بررسی مدل ساختاری، روابط بین متغیرهای مکنون با همدیگر تجزیه و تحلیل شده و معیارهای ضرایب معناداری t -Value، ضرایب تعیین (R^2)، ضرایب مسیر (R)، اندازه تأثیر (f^2) و معیار استون-گیسر (Q^2) برای برازش مدل ساختاری بررسی شد. در این بخش با در نظر گرفتن نتایج بررسی روابط بین سازه‌ها با استفاده از ضریب مربوطه می‌توان به بررسی معناداری اثرات بین سازه‌های تحقیق پرداخت.

معناداری t -Value: برای ارزیابی برازش مدل ساختاری پژوهش از چندین معیار استفاده می‌شود که اولین و اساسی‌ترین آن ضرایب معناداری Z یا همان مقادیر t -Value است که با اجرای فرمان بوت استرپینگ مقادیر بر روی خطوط مسیرها نشان داده می‌شوند. در صورتی که مقادیر برای t از ۱/۹۶ بیشتر باشد بیانگر صحت رابطه بین سازه‌ها است. جدول ۶ مقادیر t برای ارزیابی بخش ساختاری مدل نشان داده شده است. با توجه به اینکه تمام اعداد واقع بر مسیرها بالاتر از ۱/۹۶ هستند، این مطلب حاکی از معنادار بودن مسیرها و مناسب بودن مدل ساختاری پژوهش از حیث مقادیر t -Value است.

ضریب تعیین (R^2): دومین معیار ضروری برای بررسی برازش مدل ساختاری، بررسی ضرایب تعیین مربوط به متغیرهای مکنون درون‌زای (وابسته) مدل است. این معیار برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار رفته و بیانگر تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا است. لازم به ذکر است مقادیر ضرایب تعیین، تنها برای سازه‌های درون‌زا (وابسته) مدل محاسبه می‌شود و در مورد سازه‌های برون‌زا، مقدار این معیار صفر است. داوری و رضازاده به نقل از چین^{۸۲} سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به‌عنوان ملاکی برای ضعیف، متوسط و قوی ضرایب تعیین و زیاد بودن مقدار آن را نشان از برازش بهتر مدل معرفی می‌کنند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲: ۹۲). مقادیر ضریب تعیین در جدول ۶ قابل مشاهده است. با توجه به نتایج به‌دست آمده مناسب بودن برازش مدل ساختاری از حیث ضریب تعیین تأیید می‌شود.

ضریب مسیر (R): ضریب مسیر بیان‌کننده وجود رابطه علی خطی، شدت و جهت این رابطه بین دو متغیر مکنون است. در حقیقت همان ضریب رگرسیون در حالت استاندارد است که در مدل‌های ساده‌تر رگرسیون ساده و چندگانه وجود دارد. ضریب مسیر عددی بین -۱ تا +۱ است که اگر برابر با صفر شود، نشان دهنده نبود رابطه علی خطی بین دو متغیر پنهان است. همچنین ضرایب مسیر (R) اگر بالای $0/6$ باشند، بدین معنی است که ارتباطی قوی میان دو متغیر وجود دارد؛ اگر بین $0/3$ تا $0/6$ باشند، ارتباط متوسط و اگر زیر $0/3$ باشند، ارتباط ضعیفی وجود دارد (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱). به منظور بررسی معنی‌داری ضرایب مسیر از روش باز نمونه‌گیری^{۸۳} در حالت ۱۰۰۰ نمونه که در روش حداقل مربعات جزئی توصیه شده (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳) استفاده گردید. مقادیر ضریب مسیر (R) در جدول ۶ قابل مشاهده است. با توجه به نتایج به دست آمده، مناسب بودن برازش مدل ساختاری از حیث ضریب مسیر تأیید می‌شود.

اندازه تأثیر (f^2): این معیار شدت رابطه میان سازه‌های مدل را تعیین می‌کند که برای اولین بار توسط جاکوب کوهن (۱۹۹۸) معرفی شد. مقادیر $0/02$ ، $0/15$ و $0/35$ به ترتیب نشان از اندازه تأثیر کوچک، متوسط و بزرگ یک سازه بر سازه دیگر است (هنسلر و همکاران، ۲۰۰۹؛ هنسلر و فاسوت، ۲۰۱۰). با توجه به مقادیر به دست آمده درباره اندازه تأثیر هر یک از متغیرهای برون‌زا بر متغیر درون‌زای افزایش اطلاعات مدل کسب و کار و مقایسه آن با مقادیر شاخص و اندازه تأثیر متوسط و قوی متغیرهای برون‌زا، برازش مدل ساختاری پژوهش از حیث اندازه تأثیر تأیید می‌شود.

معیار استون-گیسر (Q^2): کیفیت مدل ساختاری توسط شاخص قدرت پیش‌بینی (Q^2) که توسط استون-گیسر^{۸۴} (۱۹۷۵) معرفی شده نیز محاسبه گردید. هدف این شاخص بررسی توانایی مدل ساختاری در پیش‌بینی به روش چشم‌پوشی^{۸۵} می‌باشد که براساس این ملاک مدل باید نشان‌گرهای متغیرهای مکنون درون‌زا انعکاسی را پیش‌بینی کند (طباطبایی و جهانگرد، ۱۳۹۵). بدین معنا که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها می‌توانند به قدر کافی بر شاخص‌های یکدیگر تأثیر بگذارند. مقادیر مثبت این ضریب نشانگر توانایی پیش‌بینی است (وینزی و همکاران، ۲۰۱۰). داوری و رضازاده به نقل از هنسلر^{۸۶} و همکاران (۲۰۰۹) در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل سه مقدار $0/02$ ، $0/15$ و $0/35$ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی تعیین نموده‌اند که با توجه به میزان بدست آمده برای تمامی متغیرها (جدول ۶)، قابل قبول است.

جدول ۶: برازش مدل ساختاری

الف: برازش مدل ساختاری مرتبه اول					
شاخص کیفیت- Q^2	آزمون مسیر			متغیرها	
	پیش بینی مدل	ضریب تعیین	معناداری t	ضریب مسیر	دورن زا
شفافیت و روایی	۰/۲۷	۰/۸۶	۳۱/۱۹	۰/۹۲۸	افشای منابع کلیدی
	۰/۳۵	۰/۸۰	۲۷/۳۷	۰/۸۹۹	افشای پیامدها
ب: برازش مدل ساختاری مرتبه دوم					
افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار	۰/۳۰	۰/۸۳	۶۴/۲۰	۰/۹۱۲	شفافیت و روایی
	۰/۲۲	۰/۷۳	۳۱/۷۱	۰/۸۵۷	پاسخگویی اجتماعی
	۰/۲۴	۰/۷۱	۲۶/۷۸	۰/۸۴۸	ذینفعان
	۰/۳۳	۰/۷۴	۲۹/۸۵	۰/۸۶۴	محرک‌های کلیدی
	۰/۲۸	۰/۱۰۸	۲/۱۹	۰/۳۲۸	عدالت و انصاف در توزیع گزارش
	۰/۳۳	۰/۱۱۲	۲/۱۲	۰/۳۳۵	ارائه و نحوه افشا

بررسی مدل کلی

از معیار نیکویی برازش GOF ^{۸۷} می‌توان برای بررسی اعتبار یا کیفیت الگوی پی‌ال‌اس به صورت کلی استفاده کرد که توسط تننهاوس و همکاران (۲۰۰۴) ابداع گردید و طبق رابطه ۴ محاسبه می‌شود. این شاخص نیز همانند شاخص‌های برازش مدل لیزرل عمل می‌کند و بین صفر تا یک قرار دارد و مقادیر نزدیک به یک نشانگر کیفیت مناسب مدل هستند (رینگل، ۲۰۰۶). این شاخص توانایی پیش‌بینی کلی مدل را مورد بررسی قرار می‌دهد و این که آیا مدل آزمون شده در پیش‌بینی متغیرهای مکنون درون‌زا موفق بوده است یا خیر؟ (سیدعباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). تننهاوس و همکاران (۲۰۰۴) سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی معرفی نمودند که با محاسبات انجام شده، مقدار قوی برازش شد.

$$\begin{aligned} \text{رابطه (۴)} \quad \text{ضریب تعیین} \times \text{روایی همگرا} &= \sqrt{\text{نیکویی برازش}} \\ &= \sqrt{0.67 \times 06112} = 0.639 \end{aligned}$$

ارزش و نوآوری پژوهش

تجزیه و تحلیل سیستماتیک و ارزیابی انجام شده بر روی معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار در پژوهش حاضر به افزایش و ارتقای سطح دانش حسابداری به چندین طریق کمک می‌کند. اول اینکه، به نظر می‌رسد انجام پژوهشی در ایران برای مذاقه، تجزیه و تحلیل و ارزیابی بیشتر ابعاد و مؤلفه‌های گزارشگری و افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار علاوه بر گشایش چشم‌انداز جدید در مورد پژوهش‌های گزارشگری مالی، زمینه لازم برای ارتقای و بهبود کیفیت گزارشگری مالی را نیز فراهم می‌سازد. دوم اینکه، در پژوهش حاضر تمرکز اصلی بر روی «رویکرد مدل کسب و کار» در مقابل «رویکرد قصد و نیت مدیریت» به عنوان رویکردهای استانداردگذاری گزارشگری مالی بوده و سعی گردیده است با توسعه و بسط پژوهش‌های گذشته، جریان همگرایی پژوهشی را تقویت نموده و پژوهش‌های گزارشگری مدل‌های کسب و کار را در مسیر اصلی خود هدایت نماید. سوم اینکه، با توجه با تأکید نهادهای حرفه‌ای و تخصصی حسابداری بر افشا و گزارش اطلاعات مدل‌های کسب و کار واحد تجاری، در حالی که پیاده‌سازی چارچوب‌های گزارشگری مالی مدل‌های کسب و کار با کیفیت بالا اساساً چالش برانگیز است، اگر به شیوه‌ای کارآمد برنامه‌ریزی و مدیریت شود می‌تواند موجبات بهبود اساسی در شیوه گزارشگری مالی رایج را فراهم سازد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهند که شرکت‌های ایرانی نه تنها شیوه گزارشگری مالی و افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار را به درستی درک نکرده‌اند، بلکه برای افشای این دسته از اطلاعات نیز برنامه مشخص و پیش‌رونده‌ای ندارند. عدم شناخت آنان از چارچوب‌های گزارشگری مدل‌های کسب و کار و یا نبود تحلیل‌های دقیق و علمی از این چارچوب‌ها، مسیر گزارشگری مالی رایج را با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد کرد. لذا، به نظر می‌رسد پژوهش حاضر می‌تواند در آگاهی‌بخشی حسابداران، حساب‌رسان، تحلیل‌گران مالی و به‌طور کلی جامعه حرفه‌ای حسابداری ایران نقش تأثیرگذاری ایفا نماید. چهارم اینکه، بین رشته‌ای بودن موضوع پژوهش را باید از وجوه مهم افتراق این پژوهش با پژوهش‌های مربوط به گزارشگری مالی و افشای اطلاعات حسابداری دانست. در واقع، دانش‌های بین رشته‌ای یا میان رشته‌ای به تناسب

نیازهای جدید و تخصص‌های نوظهور، از مرزهای سنتی میان رشته‌های دانشگاهی و مکاتب فکری گذر می‌کند. توسعه پژوهش‌هایی با موضوعات میان رشته‌ای باعث تعامل میان دو یا چند رشته مختلف و زمینه‌سازی برای رشد و توسعه علوم و افزایش توانمندی علم برای حل مشکلات پیچیده و چند وجهی می‌شود. استفاده از مفهوم مدل کسب و کار در نظام‌بخشی حسابداری می‌تواند فرصتی را فراهم نماید تا عبور از مرزهای سنتی دانش حسابداری و تحقق هدف رسیدن به نتیجه مطلوب یعنی گزارشگری مالی و افشای اطلاعات با کیفیت امکان‌پذیر گردد. افزون بر این، بقا و غنای خدمات حسابداری و حسابرسی مستلزم عکس‌العمل مناسب و به‌موقع حرفه در برابر انتظارات جامعه است. جامعه حرفه‌ای حسابداری بدون آگاهی از مفاهیم روز و توسعه دانش فرا رشته‌ای خود نخواهد توانست شکاف انتظارات جامعه را به شکل مطلوبی پُر کند. با ورود مفهوم مدل کسب و کار به عرصه حسابداری و حسابرسی به نظر می‌رسد جامعه دانشگاهی و بالاخص تدوین‌کنندگان خط‌مشی حرفه می‌بایست آموزش این مفاهیم را به‌طور جد در دستور کار خود قرار دهند. پژوهش حاضر نیز در جهت آگاهی‌بخشی جامعه حرفه حسابداری سعی نموده است در حد بضاعت و ظرفیت یک مقاله پژوهشی نسبت به روشنگری و آشنایی با مفهوم مدل کسب و کار و نقش آن در گزارشگری مالی و افشای اطلاعات مدل کسب و کار سهم باشد. آخر اینکه، یافته‌های پژوهش حاضر، به دست اندرکاران و استاندارد‌گذاران حرفه حسابداری کمک بسیاری خواهد نمود. تردیدی نیست که از مهم‌ترین اهداف یکسان‌سازی جهانی استانداردهای گزارشگری مالی، افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، افزایش کیفیت گزارشگری مالی و صرفه‌جویی در زمان و هزینه آموزش است. تأیید برآزش مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری و مدل کلی معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار می‌تواند مسیر استاندارد‌گذاری و همگرایی استانداردهای ایران با استانداردهای بین‌المللی بالاخص استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۹ را هموار نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

از شاخص‌های مطرح در ارزیابی مفاهیم و سازه‌ها، قابلیت کاربردپذیری آنها می‌باشد (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۹۷) که از این حیث توجه به گستره وسیع کاربردپذیری نظریه افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار و به دنبال آن ابزاری که بتواند آن را عملیاتی کند،

ضروری به نظر می‌رسد. علیرغم تأکید بر افشای اطلاعات مدل کسب و کار و مؤثر بودن نقش افشای اطلاعات غیرمالی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه ایران، پژوهش‌ها در ادبیات مدیریت و حسابداری در ارتباط با مؤلفه‌ها و معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار هم‌چنان باز مانده است (باباجانی و همکاران، ۱۳۹۷).

پژوهش‌های قبلی انجام شده به موضوع ظرفیت افشای اطلاعات مدل کسب و کار برای ارتقای و بهبود گزارشگری شرکتی پرداخته (نیلسن و روزلندر، ۲۰۱۵) و دامنه افشای اطلاعات راهبردی، اهداف راهبردی، برنامه‌های اجرا و پیاده‌سازی آن‌ها، اثرگذاری بر سرمایه و ذی‌نفعان را مورد بررسی قرار داده‌اند (مارکس و محمد - حاجی^{۸۸}، ۲۰۱۴؛ پادیا و یاسین^{۸۹}، ۲۰۱۱؛ استنت و داوولر^{۹۰}، ۲۰۱۵). یافته‌های این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در سال ۲۰۰۵ تنها ۶ درصد از شرکت‌ها اطلاعات کاملی از راهبردها و چگونگی دستیابی به اهداف راهبردی خود را افشا نموده‌اند و این در حالی است که در سال ۲۰۱۳، این سطح از افشا به ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است (مارکس و محمدحاجی، ۲۰۱۴؛ پادیا و یاسین، ۲۰۱۱؛ استن و داوولر، ۲۰۱۵). این پژوهش‌ها کمیّت افشای اطلاعات راهبردی را تجزیه و تحلیل کرده‌اند، لیکن در آن‌ها موضوعاتی چون افشای اهداف راهبردی واقعی، مدل کسب و کار یا ارتباط بین راهبردها و مدل‌های کسب و کار هنوز مغفول مانده است (سوخاری و دی‌ویلیرز، ۲۰۱۹). به منظور رفع ابهام‌های موجود در پژوهش‌های انجام شده و در جهت همگرایی با پژوهش‌های قبلی، هدف پژوهش حاضر این است که با تجزیه و تحلیل و استفاده از روش‌های علمی معتبر، ابعاد و مؤلفه‌های گزارشگری مدل‌های کسب و کار را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد تا تصمیم‌گیرندگان یا استفاده‌کنندگان مختلف، تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی و یا حسابرسان نه فقط بر اساس تجربه، بلکه از طریق کنکاش‌های تحلیلی و استفاده از روش‌شناسی‌های معتبر علمی، سطح اهمیت و دامنه شمول آن‌ها را درک کرده و در عمل به کار گیرند. سؤال اساسی در پژوهش حاضر این است که مدل یا معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار کدامند و در صورت معرفی این معیارها چگونه می‌توان بر آن‌ها صحه گذاشت؟ آیا مدل افشا قابلیت پیش‌بینی مناسبی دارد؟ و اینکه برای پذیرش و کاربست مدل و معیارهای پیشنهادی، آیا آن‌ها از برآزش قابل قبولی برخوردار هستند؟ از این حیث، پژوهش حاضر با هدف تجزیه و تحلیل سیستماتیک و ارزشیابی برآزش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های

کسب و کار بر روی مدرسان دانشگاه، اعضای هیئت علمی و کارشناسان حوزه مالی و کسب و کار با نمونه ۱۹۶ نفر صورت پذیرفته و با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و تکیه بر جدیدترین و کامل‌ترین شیوه‌های آماری از مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (پی‌ال‌اس) انجام شد. معیارهای افشای اطلاعات مدل کسب و کار از پژوهش مهرانی و همکاران (۱۳۹۹) اقتباس گردید و برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری از معیارهای پایایی هریک از گویه‌ها (بارهای عاملی گویه‌ها)، معناداری t ، آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی هریک از سازه‌ها، روایی همگرا (واریانس استخراج شده) و روایی واگرا استفاده شد. نتایج حاکی از آن است که سازه‌های مورد نظر به درستی در مدل برازش یافته و بارهای عاملی معنادارند. نتایج آلفای کرونباخ نشان از همسانی درونی گویه‌ها در سطح مطلوبی دارد و مقدار پایایی ترکیبی بالاتر از $0/8$ نشان می‌دهد که گویه‌ها از پایداری درونی مناسبی برخوردار هستند. به عبارت دیگر، سؤال‌ها با سطح همبستگی بالا به خوبی متغیرهای مشاهده شده را اندازه‌گیری می‌کند و به طور معناداری به عامل زیربنایی خود مرتبط هستند و می‌توان گفت که مدل اندازه‌گیری طی ارزیابی شاخص‌های جزئی مطلوب است. برای ارزیابی روایی و میزان انسجام درونی مؤلفه‌ها با سؤال‌های آن، از روایی همگرا که میانگین واریانس به اشتراک گذاشته یا همبستگی سؤال‌های یک مؤلفه با هم را می‌سنجد و از روایی واگرا که همبستگی یک مؤلفه را با یک مؤلفه غیرمرتبط با آن می‌سنجد، از روش فورنل و لارکر (۱۹۸۱) استفاده شد و برازش قابل قبولی به دست آمد که حاکی از هماهنگی و همسویی لازم بین سؤال‌ها و مؤلفه است. در واقع، سؤال‌های مربوط به شش معیار اصلی پژوهش که پیشتر به آنها اشاره شد، به خوبی تبیین‌کننده مؤلفه‌های اصلی موجود در مدل می‌باشند. در برازش مدل ساختاری به بررسی تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم و روابط بین مؤلفه‌ها به لحاظ علی پرداختیم. بررسی معناداری ضرایب مسیر نشان از صحت رابطه بین مؤلفه‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصدی دارد و برای تعیین شدت رابطه از ضریب استاندارد شده بار عاملی و برای تعیین شدت تأثیرگذاری متغیر برون‌زا بر متغیر درون‌زا از معیار ضریب تعیین استفاده و نتایج آن در بخش یافته‌ها گزارش شد. معیار قدرت پیش‌بینی مدل (که مجموع مربعات خطاهای پیش‌بین و مشاهدات است)، بالای صفر بود و نشان از ارتباط پیش‌بین مدل دارد و همچنین از شاخص‌های کیفیت مدل ساختاری یعنی شاخص نیکویی برازش در مدل استفاده شد و

نتایج قابل قبولی گزارش شد که حاکی از بالا بودن کیفیت مدل کلی (بخش اندازه گیری و بخش ساختاری) است. همان‌طور که نتایج نشان داد مدل نظری افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار این پژوهش با توجه به مبانی نظری موجود، تحلیل عاملی تأییدی به روش حداقل مربعات جزئی و در نهایت برازش مناسب و قابل قبول در مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد تأیید قرار گرفت. لذا، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مدل به‌دست آمده قابلیت پیش‌بینی مناسبی داشته و می‌تواند به عنوان معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار به کار گرفته شود. با توجه به تأکید نهادهای حرفه‌ای حسابداری مبنی بر افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار، شناسایی و ارزیابی معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار می‌تواند برای پیشبرد اهداف آنان بسیار مفید باشد. از این جهت، مطالعه حاضر نشان داد که معیارهای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار، مبنای مناسبی برای افشای اطلاعات مدل‌های کسب و کار است و با رعایت احتیاط، قابلیت تعمیم به کل شرکت‌ها در ایران را دارد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های انجام شده توسط الساندرو مشلی و همکاران (۲۰۱۷) و قنبرزاده و همکاران (۱۴۰۰) سازگار است. نتایج به‌دست آمده نه تنها اهمیت افشای اطلاعات مرتبط با مدل کسب و کار را نشان می‌دهد، بلکه برای جامعه استانداردگذاران و تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات نیز پیام آگاهی‌بخشی ارائه می‌کند که لازم است از این فرصت برای بهبود استانداردها و دستورالعمل‌ها بهره‌مند شد.

از مهم‌ترین محدودیت‌های حاکم بر این پژوهش می‌توان به نارسایی‌های ذاتی پرسشنامه و تعمیم‌دهی نتایج، کمبود شدید سوابق پژوهش‌های داخلی مرتبط با موضوع پژوهش و عدم دسترسی کافی به کارشناسانی اشاره نمود که توأمان به موضوعات دانش حسابداری و گزارشگری مالی و دانش مدل کسب و کار آگاهی داشته باشند. بنابراین، در تفسیر نتایج باید این محدودیت‌ها مد نظر قرار گیرند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ابزار سنجش گزارشگری و افشای اطلاعات مدل کسب و کار مبنای مناسبی برای سنجش و شناسایی معیارهای افشای اطلاعات مدل کسب و کار شرکت‌های ایرانی است و با رعایت احتیاط قابلیت تعمیم به کل شرکت‌های بورس

اوراق بهادار را نیز دارد. لذا، با توجه به اینکه برآزش هر سه بخش الگوریتم داده‌ها (برآزش مدل اندازه‌گیری، برآزش مدل ساختاری و برآزش مدل کلی) نشان‌دهنده مطلوبیت و قابل قبول بودن ساختار مکنون در سطح معیارهای افشای اطلاعات مدل کسب و کار بوده، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود با مبنا قرار دادن معیارهای مذکور، دو موضوع «سطح کیفیت گزارشگری و افشای اطلاعات مدل کسب و کار» و «پیامدهای مالی و اقتصادی افشای اطلاعات مدل کسب و کار» شرکت‌های پذیرفته شده در تارنمای بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دهند. افزون بر این، تردیدی نیست که یکی از عوامل مهم در ترغیب شرکت‌های ایرانی در به‌کارگیری و استفاده از معیارهای افشای اطلاعات مدل کسب و کار بررسی شده در این پژوهش، موضوع «ارزیابی سودمندی گزارشگری مالی با رویکرد مدل کسب و کار بر تصمیمات اقتصادی» است. لذا، پژوهشگران علاقمند می‌توانند با تکیه بر مؤلفه‌های یاد شده میزان سودمندی افشای اطلاعات مدل کسب و کار شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران را در دستور کار خود قرار دهند.

یادداشت‌ها

1. Klynveld Peat Marwick Goerdeler (KPMG)
2. Chartered Institute of Management Accountants (CIMA)
3. PriceWaterhouseCoopers (PWC)
4. Adams, Fries and Simnett
5. Cohen, Holder-Webb, Nath and Wood
6. Lys, James and Clare
7. Financial Accounting Standards Board (FASB)
8. Canadian Institute of Chartered Accountants (CICA)
9. Federation of European Accountants (FEE)
10. Christensen
11. Özsözgün
12. Business Model (BM)
13. International Accounting Standards Board (IASB)
14. European Financial Reporting Advisory Group (EFRAG)
15. International Integrated Reporting Council (IIRC)
16. Financial Reporting Council (FRC)
17. Di Fabio and Avallone
18. Timmers
19. Afuah and Tucci; Yip; Osterwalder, Pigneur and Tucci; Shafer, Smith and Linder; Richardson
20. Lambert

-
- | | |
|---|---|
| 21. Saebi and Foss | 22. Leitao |
| 23. Teece | 24. Value Proposition |
| 25. Linder and Cantrell | 26. Page |
| 27. Lassini | 28. Giunta, Bambagiotti-Alberti and Verruchi |
| 29. Singleton-Green | 30. Graham et al |
| 31. The Institute of Chartered Accountants in England and Wales (ICAEW) | 32. Leiserinring |
| 33. Melloni | 34. Strategic Business Reporting (SBR) |
| 35. Essence | 36. UK Corporate Governance Code (UKCGC) |
| 37. Eccles and Krzus | 38. Chartered Global Management Accountant (CGMA) |
| 39. Association of Chartered Certified Accountants (ACCA) | 40. Ernst & Young (E&Y) |
| 41. Chartered Institute of Management | 42. Inconsistent, Incomparable and Incomplete |
| 43. Boilerplate | 44. Integrated Reporting (IR) |
| 45. Beyer | 46. Marton and Wagenhofer |
| 47. Penman | 48. Brougham |
| 49. Harvylengo | 50. Fishburne |
| 51. Jan Abrahamsson | 52. Bini |
| 53. Roslender and Nielsen | 54. Alessandro Mechelli |
| 55. Jan Michalak | 56. Page and Spira |
| 57. Colin Haslam | 58. Alessandro Lai |
| 59. Vivien Beattie | 60. Sarah Jane Smith |
| 61. Partial Least Squares (PLS) | 62. Hair |
| 63. Wixson and Watson | 64. Gray |
| 65. Guinot | 66. Tenenhaus |
| 67. Boporaie | 68. Chadwick |
| 69. Content Validity Ratio (CVR) | 70. Content Validity Index (CVI) |
| 71. Waltz and Basel | 72. DeVon HA |
| 73. Fornell and Larcker | 74. Moss |
| 75. Composite Reliability (CR) | 76. Werts |
| 77. Nunnally and Bernstein | 78. Vinzi |
| 79. Convergent Validity (CV) | 80. Average Variance Extracted (AVE) |
| 81. Magner | 82. Chin |
| 83. Resample | 84. Stone-Giesser |
| 85. Blindfolding | 86. Henseler |

87. Goodness of Fit
89. Padia and Yaseen

88. Marx and Mohammadali-Haji
90. Stent and Dowler

منابع

باباجانی، جعفر؛ عدلزاده، مرتضی (۱۳۹۹). تحلیل ساختاری پیشران‌های مؤثر بر آینده گزارشگری شرکتی در ایران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۷(۴)، ۵۴۵-۵۲۳. حمیدیان، محسن؛ حاجیها، زهره؛ تقی‌زاده، نفیسه (۱۳۹۶). مفید بودن افشای داوطلبانه بر قضاوت سرمایه‌گذاران. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۴ (پیاپی ۴۰)، ۱۵۵-۱۳۷.

داوری، علی؛ رضازاده، آرش (۱۳۹۳). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم افزار *PLS*. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

طباطبائی، سیدسجاد؛ مطهری‌نژاد، حسین؛ تیرگر، هدایت (۱۳۹۵). اعتباریابی ابزار سنجش هویت معلمی پزشکان مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی. نشریه علمی پژوهشی گام‌های توسعه در آموزش پزشکی، ۱۳(۶)، ۱-۱۲.

فیروزنیا، امیر؛ داداشی، ایمان؛ غلام‌نیا روشن، حمیدرضا (۱۳۹۸). اعتباریابی ابزار سنجش گزارشگری سرمایه‌فکری در ایران مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی براساس نظریه نمایندگی. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۸(۳۱)، ۸۳-۶۹.

قنبرزاده، مجتبی؛ هاشمی دهکردی، سید جمال و وصال، علی (۱۴۰۰). تبیین الگویی برای افشای داوطلبانه اطلاعات مالی و غیرمالی مدل‌های کسب و کار. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۴(۳۹)، ۳۸-۱۵.

کامران، مهدیه؛ اسدی، غلامحسین و اثنی‌عشری حمیده (۱۳۹۹). ارائه شاخص کیفیت افشای اختیاری متناسب با محیط گزارشگری و نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان از گزارشهای سالانه شرکتها. مجله پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۹(۱)، ۲۲۲-۱۹۳.

کردستانی، غلامرضا و راستگویان، حسین (۱۳۹۹). ارتباط افشای مدل کسب‌وکار با ارزش بازار سهام شرکت. نشریه حسابداری مدیریت، شماره ۴۶، ۱۷۳-۱۸۵.

- محمدیان، محمد؛ ستایش، محمدحسین (۱۳۹۷). الگویی برای گزارشگری مالی و غیرمالی بانک‌ها: از طریق شاخص‌سازی گزارشگری شهروند شرکتی. *مجله پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۷(۱۲)، ۷۰-۴۳.
- مهرانی، ساسان؛ مرادی، محمد؛ قنبرزاده، مجتبی (۱۳۹۹). شناسایی مؤلفه‌های گزارشگری مالی با رویکرد الگوی کسب و کار. *فصلنامه علمی پژوهشی بورس اوراق بهادار*، نوبت چاپ.
- مهرانی، ساسان؛ مرادی، محمد و قنبرزاده، مجتبی (۱۳۹۹). ارائه مدل گزارشگری مالی مبتنی بر مفهوم الگوی کسب و کار. *مجله مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران*، ۱۲(۴)، ۹۷۶-۱۰۰۵.

- Adams, S., Fries, J. and Simnett, R. (2011). The Journey Toward Integrated Reporting. *Accountants Digest*, (558), 1-41.
- Afuah, A., Tucci C. (2003). *Internet Business Models and Strategies*. New York, McGraw-Hill.
- Abrahamsson, J., Maga, A.A., and Nicol, C. (2019). The Effect of Business Model Innovation Announcements on Share Prices -A study of U.S listed technology firms. *Journal of Business Models*, 7(2), 37-52.
- Ahmadi, F., Rahimi, M., and Rezaei, A. (2018). Study of Relation between Business Model and Sensemaking Secisions. *Journal of Humanities Insights*, 2(2): 99-108
- Babajani, J and Adlzadeh, M. (2020). Structural Analysis of the Drivers Affecting the Future of Corporate Reporting in Iran. *Accounting and Auditing Review*, 27(4), 523-545. [In Persian].
- Bouwman, H., Heikkilä, J., Heikkilä, M., Leopold, C., and Haaker, T. (2018). Achieving Agility Using Business Model Stress Testing. *Electronic Markets*, 149-162.
- Christensen, C., Johnson, M. W. (2009). What are Business Models and How are They Built? *Harvard Business School*, 1-11.
- Cohen, J., Holder-Webb, L. L., Nath, L. and Wood, D. (2012). Corporate Reporting on Nonfinancial Leading Indicators of Economic Performance and Sustainability. *Accounting Horizons*, 26, 65-90.
- CIMA & PWC. (2016). Tomorrow`s Corporate Reporting: A Critical System at Risk. available at: http://www.cimaglobal.com/Documents/Thought_lead_ership_docs/Tomorrow'sCorporateReporting.pdf
- Davari, A and Rezazadeh, A. (2014). *Structural Equation Modeling*

- with *PLS Software*. Tehran: Iranian Students Booking Agency. [In Persian].
- Di Fabio, D. C., Avallone, F. (2018). Business Model in Accounting: An Overview. *Journal of Business Models*, 6(2), 25-31.
- EFRAG. (2014). The Role of the Business Model in Financial Statements. Research Paper. Available at: <https://www.efrag.org>.
- FEE. (2015). The Future of Corporate Reporting – Creating the Dynamics for Change. Available at: <http://www.fee.be/images/FEECogitoPaperTheFutureofCorporateReporting.pdf>.
- Firooznia, A., Dadashi, I., and Gholamnia Roshan, H. (2019). Accreditation of the Instrument for Measuring Intellectual Capital Accounting in Iran based on Partial Least Squares Approach based on Agency Theory. *Knowledge of Accounting and Auditing Management*, 8(31), 69-84. [In Persian].
- Fornell, C. and Larcker, D. (1981). Evaluating Structural Equation Modeling with Unobserved Variables and Measurement Error. *Journal of Marketing Research*, Vol.18, No.1, 39-50.
- Ghanbarzadeh, M., Hashemi dehkordi, S.J. and Vesal, A. (2021). 1. An Explanation of a Model for Voluntary Disclosure of Financial and Non-Financial Information of Business Models. *Journal of Accounting and Management Vision*, 4(39)15-38. [In Persian].
- Giunta F., Bambagiotti-Alberti L. and Verruchi F. (2010), Business Model Disclosure: Evidence from Annual Reports of Italian Listed Companies, *International Journal of Business & Economics*, 10(1), 39-51.
- Havrylenko, M., Shiyko, V., Horal, L., Khvostina, I., and Yashcheritsyna, N. (2020). *Economic and Mathematical Modeling of Industrial Enterprise Business Model Financial Efficiency Estimation*. The International Conference on Sustainable Futures: Environmental, Technological, Social and Economic Matters. Vol. 166, page: 7.
- Hamidian, M., Hajiha, Z. and Tghizadeh, N. (2017). The Usefulness of Voluntary Disclosure in the Judgment of Investors. *Quatery Journal of Economical Modeling*, Eleventh Year, No. 4 (40 consecutive), 137-155. [In Persian].
- Hikmat, H., Hassana, Y., AL-Rawib, A., Satam, S., Husseinc. (2020). The Effect of Business Model and Strict Accounting Uniformity on Qualitative Characteristics of Accounting Information. *International Journal of Innovation, Creativity and Change*, 14(2), 1518-1540.
- International Integrated Reporting Council (IIRC). (2013a).

- Consultation Draft of the International <IR> framework. London: IIRC.
- ICAEW. (2010). *Business Models in Accounting: The Theory of the Firm and Financial Reporting*. London: Institute of Chartered Accountants in England and Wales.
- ICAEW. (2017). *What's Next for Corporate Reporting*. London: Institute of Chartered Accountants in England and Wales.
- International Accounting Standards Board (IASB). (2011). IAS (1): Presentation of Financial Statements.
- Johnson, M., Christensen, C., Kagermann, H. (2008). Reinventing Your Business Model. *Harvard Business Review*, 86(12), 50-59.
- Kamran, M., Asadi, G., and Ashari, H.E. (2020). Presentation of a Disclosure Quality Index Fitted for the Reporting Environment and Information Needs of Users of the Annual Reports of Listed Companies in TSE. *Journal of Applied Research in Financial Reporting*, 9(1), 193-222. [In Persian].
- Kurdestani, G.R. and Rastgouian, H. (2020). The Relationship between Exposing Business Model to Corporate Stock Market Value. *Management Accounting*, 13(46), 173-185. [In Persian].
- KPMG (2013). *The Future of Corporate Reporting: Towards a Common Vision*. Available at: http://www.kpmg.at/uploads/media/The_Future_of_Corporate_Reporting_Web.pdf
- Lys, T., James P. N. and Clare, W. (2015). Signaling Through Corporate Accountability Reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 56-72.
- Leitao, A., Cunha, P., Valente, F., & Marques, P. (2013). Roadmap for Business Models Definition in Manufacturing Companies. *Procedia CIRP*, Vol.7, 383-388.
- Lambert, S. (2006). A Business Model Research Schema. *Proceedings of the 19th Bled eConference eValues*. Accenture Institute for Strategic Change, Working Paper, May 24, 1-15.
- Lassini, U., Lionzo, A., & Rossignoli, F. (2016). Does Business Model Affect Accounting Choices? An Empirical Analysis of European Listed Companies. *Journal of Management & Governance*, 20(2), 229-260.
- Manes-Rossi, F. Tudor, A.T. & Nicolò, G. (2018). Ensuring More Sustainable Reporting in Europe Using Non-Financial Disclosure-De Facto and De Jure Evidence. *Sustainability*, 10, 1162.
- Mechelli, A., Cimini, R., Mazzocchetti, F. (2017). The Usefulness of the Business Model Disclosure for Investors' Judgements in Financial Entities: A European study, *Spanish Accounting Review*,

20(1), 1-12.

Mehrani, S., Moradi, M., Ghanbarzadeh, M. (2020). Identify the Components of Financial Reporting with the Business Model (BM) Approach. *Journal of the stock exchange*, published in turn. [In Persian].

Mehrani, S., Moradi, M., Ghanbarzadeh, M. (2020). Presenting a Financial Reporting Model based on the Concept of Business Model. *JOURNAL OF BUSINESS MANAGEMENT (JBM)*, 12(4), 976-1005. [In Persian].

Michalak, J., Rimmel, G., Beusch, P. and Jonäll, K. (2017). Business Model Disclosures in Corporate Reports, *Journal of Business Models*, 5(1), 51-73.

Melloni, G., Stacchezzini, R., Lai, A. (2015). The Tone of Business Model Disclosure: An Impression Management Analysis of the Integrated Reports. *Journal of Management and Governance*, Vol. 20, 295-320.

Mohammadian, M. and Setayesh, M.H. (2018). A Model of Financial and Non-Financial Reporting in Banks: By Indexing the Corporate Citizenship Reporting. *Journal of Applied Research in Financial Reporting*, 7(12), 43-70. [In Persian].

Nielsen, C. and Roslender, R. (2015). "Enhancing Financial Reporting: The Contribution of Business Models", *British Accounting Review*, 47(3), 262-274.

Ozsozgun Caliskan, A. (2014). How Accounting and Accountants May Contribute in Sustainability? *Social Responsibility Journal*, 10(2), 246-267.

Osterwalder, A., Pigneur, Y., Tucci, C. L. (2005). Clarifying Business Models: Origins, Present and Future of the Concept. *Communications of the Association for Information Systems, Lausanne*. No. 16, 1-25.

Osterwalder and Pigneur (2010). *Business Model Generation: A Handbook for Visionaries, Game Changers, and Challengers*. New Jersey: John Wiley & Sons.

Page, M. (2014). Business Models as a Basis for Regulation of Financial Reporting. *Journal of Management & Governance*, 18(3), 683-695.

Page, M., Spira, F. L. (2016). Business Models, Financial Reporting and Corporate Governance, *Journal of Management & Governance*, No.20, 209-211.

Roslender, R., Nielsen, C. (2018). Accounting Through the Business Model. *Journal of Business Models*, 6(2), 78-83.

- Richardson, J. (2008). The Business Model: An Integrative Framework for Strategy Execution. *Strategic change: SC; briefings in entrepreneurial finance*, Vol. 17, 5/6, 133-144.
- Singleton-Green, B. (2014). Should Financial Reporting Reflect Firms' Business Models? What Accounting Can Learn from the Economic Theory of the Firm. *Journal of Management & Governance*, 18(3), 697-706.
- Sukhari, A., De Villiers, C. (2019). The Influence of Integrated Reporting on Business Model and Strategy Disclosures. *Australian Accounting Review*, 29(4), 708-725.
- Shafer, S. M., Smith, H. J., & Linder, J. C. (2005). The Power of Business Models. *Business Horizons*, No.48, 199-207.
- Saebi, T., and Foss, N. J. (2015). Business Models for Open Innovation: Matching Heterogeneous Open Innovation Strategies with Business Model Dimensions. *European Management Journal*, Vol.33, 201-213.
- Sorrentino, M., Smarra, M. (2015). The Term Business Model in Financial Reporting: Does It Need a Proper Definition? *Open Journal of Accounting*, Vol.4, 11-22.
- Tabatabaei, S.S., Motahharinejad, H., and Tirgar, H. (2017). The Validation of an Instrument to Measure Teacher Identity in Physicians Based on Partial Least Squares (PLS) Approach. *Journal of Medical Education Development Center*, 13(6), 553-567. [In Persian].
- Timmers, P. (1998). Business Models for Electronic Markets. *Electronic Markets*, No.8, 3-8.
- Teece, D. J. (2010). Business Models, Business Strategy and Innovation. *Long Range Planning*, 43(2-3), 172-194.
- Teece, D.J. (2018). Business Models and Dynamic capabilities. *Long Range Planning*, 51, 40-49.
- Velu, C. (2016). A Systems Perspective on Business Model Evolution: The Case of an Agricultural Information Service Provider in India. *Long Range Planning*, Vol.50, 603-520.
- Yip, G. S. (2004). Using Strategy to Change your Business Model. *Business Strategy Review*, 15(2), 17-24.
- Zott, C. & Amit, R. (2010). Business Model Design: An Activity System Perspective. *Long Range Planning*, 43(2-3), 216-226.